

در مورد حزب رنجبران ایران در مبارزه طبقاتی.....	صفحه ۵	فاشیسم و طبقه کارگر.....	صفحه ۱۹
بحران دولت سازی پارلمانتاریستی.....	صفحه ۸	نابرابری در توزیع درآمد در هسته مرکزی- و پیرامونی- نظام جهانی	
زمستان می رود و روی سیاهیش به دغال می ماند.....	صفحه ۹	سرمایه داری و در کشورهای پیرامونی آن.....	صفحه ۱۹
مصاحبه ای با شاهرخ زمانی پیرامون حزب سیاسی طبقه کارگر و		نقدی بر یک اطلاعیه.....	صفحه ۱۹
ویژگی های آن (۲)!!.....	صفحه ۱۱		

اعتصاب رانندگان کامیون

اعتصاب رانندگان کامیون ها در ایران اکثر شهرهای بزرگ و کوچک را در بر گرفته است. رانندگان خواست های محقانه ای را مطرح می کنند که برخی از آنها عبارتند از: تامین قطعات یدکی و سوخت برای کامیون ها با قیمت مناسب. رانندگان کامیون ها بارها به افزایش بی رویه قیمت قطعات یدکی و سوخت اعتراض کرده اند. با اینکه قیمت قطعات یدکی از جمله لاستیک بالا رفته است ولی کیفیت قطعات بدتر شده بطوریکه خرج های آن از دخلش بیشتر است. قطعات یدکی بر اساس نرخ تورم به چند برابر قیمت دو سال گذشته افزایش یافته است. اما دولت

بجای راه حل اساسی با متهم کردن شرکت های قطعه و لاستیک سازی توپ را به زمین دیگر پرتاب می کند. تقسیم بارها بصورت عادلانه در این مورد رانندگان کامیون ها از عدم تخلیه بارها در حداقل زمان و استفاده از فناوری های امروزی برای این کار شکایت دارند کم بودن کرایه بار. نهادهای دولتی از جمله اداره راهداری در ایران معترف هستند که طی دو سال گذشته با نرخ تورم موجود هیچ افزایشی بر کرایه بار صورت نگرفته است. علیه احجافات در بقیه در صفحه دوم

بود و نبود بشریت در سر دو راهی

طبق گزارش دانشمندان محیط زیست چنانچه اقدام جدی توسط حاکمان قدرت های انحصاری بزرگ جهان صورت نگیرد تا دوازده سال دیگر خسارت جبران ناپذیری که به کره زمین وارد شده، دیگر قابل ترمیم نیست. پرولتاریا که اکثریت عظیم مردم جهان را تشکیل می دهند که مارکس لقب گورکن سرمایه داری را به آن داد، امروز وظیفه دارد جلو این حرکت فزاینده و خانمانسوز سرمایه داری را که جامعه بشری را به لبه نابودی و بربریت کشانده با تمام قدرت بگیرد. بقیه در صفحه پنجم

سخنی در مورد حزب سازی

اگر به حرکت حزب سازی در چند صد سال اخیر نظام سرمایه داری در اروپا و در حفظ حاکمیت آن توجه داشته باشیم، این روند اساسا برپایه ی دو بینش گسترش از خود بیگانگی در میان توده های مردم و رقابت جوئی در خدمت خود، گردآوری عده ای حول منافع طبقاتی نظام خویش شکل گرفت. ترفند برقراری وجود روابط دموکراتیک پارلمانتاریستی در هر کشور و حق انتخاب حاکمان از طریق استفاده از «حق رای دهی همه گانی»، به ایجاد تشکلهای احزاب مختلف و شرکت آنها در رای گیری ها مورد استفاده قرار دادند. انتخاب شدن نماینده در پارلمان از میان احزاب، با جو رقابت در میان طبقات و حتا طبقه ی خود و تغییر سیاستهای روزمره ی موجود، به روشی از حکومت داری تبدیل گشت. در عین حال نظام سرمایه داری و تقسیم توده های مردم به دنباله روان احزاب

مختلف از بخشهای مختلف طبقه سرمایه دارو غیره، و در واقع دامن زدن به فرقه تراسی رقابتی اختلاف انداز در میان مردم با تجدید انتخابات هر چند سال یکبار به سود حفظ نظام سرمایه داری، کلاه گشادی بر سر مردم گذاشته اند. این ترفند «دمکراسی پارلمانی» به حدی امروز با این که صدها سال پراستیک انتخابات پارلمانی قادر به نشان دادن حقانیت رای گیری از توده های مردم نشده و با تشکیل دولتهای اقلیت به عنوان غاصبان اکثریت تقلبی توسط اقلیت دارنده گان وسایل تولید تبدیل شده اند، که به بحران این نظام رسوای «دموکراتیک اقلیتی» در کلیه این کشورها کشیده شده اند و هم اکنون کمتر کشور پیشرفته سرمایه داری را می توان یافت حاکمان با ۷۰٪ رای مردم به قدرت رسیده باشند. جنبشهای ۱۰۰ سال حزب سازی در ایران نیز، به طور بقیه در صفحه سوم

تروریسم نفرتی کور

سپاه پاسداران در صبح روز دوشنبه اول اکتبر ۲۰۱۸ با ۶ موشک زمین به زمین و ۷ فروند پهباد به شهرکی ... در نزدیکی ابو الکمال و طبق گفته فرمانده سپاه در جهت انتقام "حمله به رژه نظامی در اهواز"، حمله کرد. همانطور که سرنگونی هواپیمای روسیه با مانور عملیاتی اسرائیل تضادهای خشونت بار خاورمیانه را تشدید نموده است، عملیات جدید دولت ایران توسط سپاه پاسداران سطح این تضادها را ارتقاء داده و این روندی رو به رشد است. دولت سوریه به کمک ایران، حزب الله و نیروی هوا- فضای روسیه در طی سه سال گذشته قادر شده است که در مبارزه با نیروی های اسلامی دست ساز غرب و دولت های مرتجع اسلامی حامی آنها دست بالا را پیدا کند و در پی پیروزی های نظامی به تحکیم رژیم سوریه پرداخته و سیاست های غرب و نیروهای بقیه در صفحه پنجم

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

اعتصاب رانندگان... بقیه از صفحه اول

جاده ها از جمله فساد و رشوه گیری پلیس جاده ها و.....

بیمه های اجتماعی در این زمینه هم پرداخت حق بیمه و نیز استفاده از خدمات اجتماعی بعثت حیف و میل در سازمان تامین خدمات اجتماعی با مشکلات و ندادن این سرویس ها بصورت مرتب به رانندگان کامیون ها و خانواده هایشان روبروست

در فراخوانی که از سوی اتحادیه هماهنگ کنندگان رانندگان سراسر ایران منتشر شد و از رانندگان کامیون خواست تا از اول مهر در اعتصاب سراسری شرکت کنند، ۱۵ خواسته رانندگان کامیون و ترانزیت بیان شد. از جمله این خواسته ها به «افزایش حقوق بازنشستگی و سختی کار»، «کاهش قیمت لاستیک و لوازم یدکی»، «افزایش ۷۰ درصدی نرخ کرایه»، «کسر حق پرداختی بیمه رانندگان»، «حذف دلالان و واسطه ها از پایانه ها و باربری ها»، و «نظارت بر برخوردهای غلط و سلیقه ای مأموران راهنمایی و رانندگی و مجازات مأموران افسران رشوه گیر» می توان اشاره کرد.

بر سر درخواست های بالا احجاف های زیادی به رانندگان کامیون ها شده است به نحوی که برخی از رانندگان می گویند با قیمت های سوخت و لوازم یدکی و نیز کاهش کرایه بار، دیگر آنها قادر به تامین خرج زن و بچه های خود نیستند. در دور اول و دوم اعتصاب ها که خرداد ماه گذشته شروع شد. رژیم حتی به قول های داده شده از طرف خود هم وقعی نگذاشت و خواست رانندگان کامیون را برای انجام عملی آنها بی جواب گذاشت. رشد این اعتصاب در طی ۲۰ روز و گسترش آن به بیشتر شهرهای ایران نشان داد که مقاومت و پیگیری و درک درست از شرایط می توان به پیروزی نسبی یک اعتصاب بیانجامد. این اعتصاب نشان داد حتی در کارهایی که ظاهرا انفرادی به نظر می رسد می توان نیروی عظیمی را متشکل و سازمان داد.

امانی معاون حمل و نقل راهداری در ایران می گوید: با بحث های کارشناسی انجام شده کرایه رانندگان کامیون ۱۵ تا ۲۰ درصد باید افزایش یابد، اما هم اکنون در مرحله اخذ مجوز از دستگاه های دولتی هستیم. چنین قول هایی که هیچ تضمین اجرایی پشت آن نیست همراه دستگیری بیش از ۲۰۰ راننده کامیون در روزهای اخیر. ماهیت و اهداف پلیس دولت در برخورد به خواست های رانندگان کامیون را نشان می دهد.

اما این بار دولت و نهادهای خصوصی هم بطور مستقیم از این اعتصابات تأثیر پذیر هستند. هزاران تن کالا در بنادر ایران انبار شده است. نقشه های دولت برای بکار گیری نیروهای دولتی و نظامی و استفاده از کامیون های این نهادها هم نتوانست که اعتصاب دور سوم را با شکست روبرو کند به همین دلیل دولت خود مستقیما وارد قضیه شده است و از اهرم پذیرش بخش کوچکی از خواست های رانندگان کامیون همراه با بگیر و ببند فعالین این اعتصاب، آنرا به پایان رسانده و در صورت نیاز در هم بشکند. برخی از بخش های کار در بویژه ایران برای اقتصاد و نیز سیستم های دولتی تعیین کننده هستند. یکی از آنها سیستم حمل و نقل است که شاهرگ های اقتصادی را بهم وصل می کند. اعتصاب و خواباندن کار در بخش حمل و نقل آنچنان مهم است که بالاخره دولت را مجبور به جوابگویی مستقیم به این اعتصاب کرده است.

این اعتصاب در عین اینکه در سیستم بهم پیوسته و زنجیره ای خوب کار کرد توانست بخش هایی از طبقه کارگر را به پشتیبانی خود بکشد که نمونه بسیار مثبتی از همبستگی صنفی و طبقاتی را نشان داد. اما مشکلی که این اعتصاب داشت همچون دیگر اعتراضات و اعتصابات گذشته در ایران عدم تشکیلاتی منسجم و رهبری بود. این روز ها وقتی صحبت از رهبری در جنبش اجتماعی و کارگری می شود. بخشی از فعالین این توهم را ایجاد می کنند که گویا می توان بدون رهبری و صرفا با استفاده از اینترنت و خبر رسانی جنبش را رهبری و به پیروزی رساند. این به هیچ وجه نباید به مفهوم عدم استفاده از امکانات تکنولوژیکی در خدمت جنبش های رادیکال و مترقی تلقی شود ولی آن چه که نادرست است. استفاده از این تکنولوژی را با رهبری متشکل و در یک حزب و سازمان یکی گرفتن و بی مورد دانستن سازماندهی تشکیلاتی می تواند به نفوذ عناصر دشمن در خدمت سمت دهی جنبش ها و یا نفوذ و از بین بردن آن منجر شود. این دشمنان می توانند هم عناصر داخلی و هم عناصر خارجی اعم از سازمان های امنیتی و یا اطلاعاتی داخلی و خارجی باشند که قادر نخواهند بود در یک تشکیلات منسجم که از کادرهای رهبری آگاه بهره می گیرد نفوذ سیاسی - امنیتی پیدا کنند.

در پشتیبانی بین المللی از این اعتصاب در برخی از کشورها از جمله هلند رانندگان کامیون ها با کامیون های خود رژه رفتند. که خود امر بسیار مثبت و قدمی در راه

همبستگی بیشتر طبقه کارگر جهانی است. در عین حال نباید اجازه داد که امپریالیست ها و دیگر قدرت های مرتجع بین المللی از این پشتیبانی سوء استفاده کنند. این مبارزات متعلق به طبقه کارگر است و در این حیطه بایستی مورد بررسی قرار گیرد.

دور سوم اعتصاب با قبول برخی از درخواست های رانندگان کامیون با پیروزی نسبی به پایان رسیده است. اما درخواست هایی که دولت قبول کرده است آیا همچون سیاست های گذشته رژیم فریب و استفاده از زمان در جهت شکاف انداختن در صفوف متحد رانندگان کامیون است و یا یک عقب نشینی واقعی بعثت فشار های چندگانه بر روی خود. هر چه هست تا همین جا هم رژیم تحت فشار مبارزه متحد رانندگان کامیون تن به قبول درخواست های رانندگان داده است برای اینکه موافقت نامه خصلت عملی بگیرد. احتیاج است که رانندگان کامیون همچنان مصرانه اجرای آنها را از دولت بخواهند و در غیر این صورت دور بعدی با شدت و حدت بیشتری آغاز خواهد شد. اعتصاب یک ابزار مبارزه و تقابل طبقاتی است بین حاکمین و محکومان، بین سرمایه و نیروی کار نتیجه آن به توازن نیروی کار و مقابله با سرمایه و دولتش در جلوگیری از فریب و پشت گوش انداختن این خواست های بحق از طرف دولت برمی گردد. بایستی به رانندگان کامیون برای این اعتصاب پیروزمندانه تبریک گفت. اتحاد و همدلی و پشتیبانی از جمله دلایل این پیروزی بوده اند باید از تجربیات این اعتصاب مبارزات آینده را تا سرنگونی رژیم ضد کارگر سرمایه داری اسلامی آموخت. پیروزی آینده در گرو مبارزه، اتحاد باز هم مبارزه و اتحاد و بالاخره پیروزی است. این اعتصاب اولین اعتصابی است که خصلت رشته ای و منطقه ای و موردی و محدود را به سطح فرا کشوری، فراگیر و گسترده آن رساند که از پشتیبانی کارگران و زحمتکشان دیگر برخوردار شد. جنبش کارگری و زحمتکشان ما قدم های موثری را برای شکل یابی و متحد شدن بخش های گوناگون طبقه کارگر برداشته است. این روند ادامه خواهد یافت و همه نیروهای انقلابی و عدالت خواه بایستی از این مبارزات بر حق حمایت همه جانبه ای را سازمان دهند.

ع.غ



آزادی فوری و بدون قید و شرط رانندگان اعتصابی دستگیر شده



سخنی در مورد حزب سازی بقیه از صفحه اول

سخیفانه ای در تلاش برای مشروع نشان دادن وتامین سلطه ی طبقات استعمارگر و ستم گر، با به عاریت گرفتن از نظامهای سرمایه داری غرب، انتخابات در تشکیل دولت با شروع افراد مرتجع مدافع حاکمان و یا احزاب معلوم الحال شروع شد. نیروهای آزادی خواه نیز درمقابل با نظام دیکتاتوری نیمه فئودالی - نیمه مستعمره وابسته به امپریالیسم برای استقرار کشور دموکراسی نوین و نهایتاً گذار به سوسیالیسم، به دلیل وجود استبداد فئودالیسم جان سخت سلطنتی - مذهبی آسیائی سرکوب گر و دخالت گری امپریالیسم کشورهای غربی، به تشکیل و بقای فعالیت احزاب و دولت مستقل و مترقی پایدار نایل نشده و با سرکوب بربرمنشانه ی حاکمان، متلاشی گشته اند. در جریان این نظام تفرقه انداز توده های مردم، بخشی از روشنفکران نخبه، به جای درک شرکت در نظام پارلماناریستی حزب سازی و تهیه ی مرامنامه و دعوت از توده ها در حزبی پیشرو و قوی و متحد در مقابل با نظام سرمایه داری، به شرکت در سازمانها و احزاب و فرقه های متعددی پرداختند. این تشکلهای خود را تنها و بهترین نماینده این اکثریت استثمار شده و ستم دیده عرضه کردند. بدین ترتیب علاوه بر احزاب صاحبان سرمایه بزرگ و متوسط و کوچک، اینان نیز در میان کارگران و زحمت کشان، دامنه ی فرقه گرائی های متعدد و ناپایداری در آشفته گی و ناتوانی در هدایت سیاسی آگاهانه ی مردم نقش مثبتی در عمل نشان نداده و فرقه گرائی را رواج دادند.

بدین ترتیب، بروز این واقعیت ناشی از تشکیل حزب و یا سازمان، سرکوب، بازم تشکیل تجمع و سرکوب مجدد، تشکیل و نهایتاً شکست تشکل مترقی و نهایتاً تن دادن به فرقه ها، احزاب مترقی مخالف حاکمان، تاکنون موفقیتی در خدمت به طبقات تحت ظلم و ستم و یافتن نفوذ قابل توجه به دست نیاورده اند. علت اصلی و تعیین کننده آگاهی اندک درست از ضرورت مبارزه ی طبقاتی در ایجاد حزب، تلاش نکردن در تهیه ی خط مشی سیاسی درست انقلابی مشترک، تشکیلات مستحکم صاحب نفوذ در میان توده ها و گام در عمل داشتن متکی به صحت سیاست خود، می باشد که نفوذ یافتن پایه ای وسیع در میان استثمار شده گان و ضرورت ایجاد حزبی آگاه و متکی بر داشتن تئوری و سیاستهای درست انقلابی در عمل، مبارزه طبقاتی جدی و پیشرو مطمئن و سرسختانه

پیروز را تضمین می کند.

هم اکنون نگاهی به عمل کرد رژیم جمهوری اسلامی در تلاش برای ایجاد سندیکای موازی در برابر سندیکاهای مستقل مبارز موجود نظیر سندیکاهای شرکت اتوبوسرانی واحد تهران وحومه و سندیکای نیشکر هفت تپه و غیره، درست در رواج دادن فرقه گرائی در درون جنبش کارگری برای تضعیف مبارزات درخشان این سندیکاها سیاست ضدانقلابی را در پیش گرفته اند. هدف اصلی این نظام مرتجع سرمایه داری ارتجاع حاکم کشاندن مبارزات کارگران به زیر نفوذ آنها است. اما در مبارزه با این تلاش مذبحانه، عناصر آگاه طبقه کارگر به مبارزه علیه این سیاست تفرقه انداز قد علم کرده اند، در حالی که فرقه گرایان مدعی کمونیست بودن در دنباله روی از فرقه گرائی طبقاتی انتشار ارتجاعی پافشاری نموده و شعار وحدت کمونیستها را به فراموشی سپرده و برای افشا نشدنشان در حد وحدتهای سیاسی خود را پنهان ساخته اند.

بدین منظور خوشبختانه تئوری سازمان یابی و حرکت مبارزاتی طبقه کارگر بر اساس مبارزات پیروزمندانه ی طبقه کارگر و توده های زحمت کش با دقت بی نظیر در تئوری کمونیسم علمی جمع بندی شده و در اختیار کمونیستها قرار داشته و تنها انتظار از مدعیان کمونیست این است که از آنجا که مبارزه طبقاتی در مسیر پیشروی خود به خودی مملو از خودخواهی ها جلو نرفته و بر اساس تئوری کمونیسم علمی به مثابه مشعل راهنمایی حرکت کرده و در سنگلاخها و شوره زارها و باتلاقها خود را گرفتار نمی سازد باید با احساس عمیق طبقاتی گام برداشت. از جمله برای متحد شدن و نهایتاً یکی شدن در برنامه حزبی واحد کمونیست طبقه کارگر متکی بر اصول کمونیسم و وحدت روی نکات اساسی استراتژی و تاکتیکهای انقلابی، در هر کشور، حرکت یک پارچه اول ولی محدود را باید شروع کرده و با توجه به تعمیق وحدت متکی بر اجرای مرکزیت - دموکراتیک حزبی واحد مشترکاً سیاستها در زمینه های مختلف را مشترکاً یافته و حرکت انقلابی خود را به طور منضبط و استواری به پیش برد.

مناسفانه به علت شکست ناشی از عدول کمونیستها در به کار بستن کمونیسم علمی و نقد آن با گرویدن به انحراف رویزیونیستی مدرن و پست مدرن به جای وحدت ایدئولوژیک - سیاسی کمونیستی، جنبش جهانی کمونیستی را از جمله در حزب سازی کمونیستی به منجلاب فرقه گرائی کشاندند. برای نشان

دادن این واقعیت به تاریخ جنبش کمونیستی مراجعه کنیم: بیش از ۱۷۰ سال پیش مارکس و انگلس «مانیفست حزب کمونیست» را در مشخص کردن راه مبارزه ی طبقاتی طبقه کارگر و روشنفکران، در پایان این اثر علمی تاریخی با شعار «کارگران تمام کشورها، متحد شوید!» نقش مخرب احزاب «سوسیالیسم فئودالی، بورژوائی، آلمانی یا حقیقی خرده بورژوائی تخیلی» رهنمود روشنی ارائه دادند که عدول از این شعار ماهیت هر تشکل کمونیستی را باید زیر سؤال برد. زیرا پافشاری روی فرقه گرائی در جنبش کمونیستی و گام برداشتن در طرد فرقه گرائی دیدگاهی ارتجاعی است به مثابه ترمزی در ایجاد احزاب نیرومند ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی کمونیستی واحد عمل کرده و ضروری است قاطعانه این دُمل چرکین غیر پرولتری را از صحنه ی مبارزه جویانه کمونیستی پاک کنیم. و از موضع انقلابی کمونیستی زنده یاد شاهرخ زمانی به مثابه کارگر مبارز کمونیست

نیز بیاموزیم. مدافعان «پلورالیسم سیاسی - تشکیلاتی و فرقه گرا» ماهیتاً مدافعان نظری و عملی طبقه سرمایه دار و اقشار خرده بورژوا و روشنفکران متزلزل در حال نوسان بین آنان، در حفظ تفرقه در میان توده ها و حفظ موقعیت برتر نظام سرمایه داری فعالانه عمل می کنند. اما در جریان مبارزات اکثریت توده های کار و زحمت در درهم شکستن فرقه گرائی به مثابه گرایش به شدت انحرافی ضد کمونیستی چنان مبرمیت و ضرورت یافته که بدون از بین بردن نفوذ این انحراف، امکان موفقیت انقلابی علیرغم فدا کاریها و مبارزات توده ای هر چه زودتر فراهم نخواهد شد.

در این رابطه می بینیم که دوجهان بینی متضاد در حفظ یا در رد «از خود بیگانگی» و دامن زدن به نظامهای طبقات حاکم فرقه گرا در زیر پرچم سرمایه داری و یا جهان بینی متشکل شدن در زیر پرچم جهان بینی کمونیستی در براندازی طبقاتی متکی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله و برقراری مالکیت اشتراکی و اجتماعی از نظر تاریخی در برابر یکدیگر صف کشیده اند.

هم اکنون کمونیستها باید در مقابل یکی از این دو موضع نظر خود را مشخص کنند: «برقراری مبارزه فرقه گرائی، نخبه گرائی سرمایه جهانی!»، یا «زنده باد وحدت کمونیستها و کارگران جهان!» یا «زنده باد پلورالیسم سیاسی - تشکیلاتی!»،



یا «زنده باد وحدت انترناسیونالیسم پرولتاریائی»!

حتا برخی از شاعران برجسته ایران با بیان این که: «جنگ ۷۲ ملت همه را عذر بنه --- چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند!» را می توان ذکر کنیم در دوران قرون وسطائی برای درهم شکستن دیدگاههای ایده آلیستی مرتجعان فردگرا یا فرقه گراهای موجود آن زمان را از این طریق مورد نقد قرار دادند. اما بعد از گذشت صدها سال از آن زمان هنوز مدعیان «کمونیستی» به این درک روشن در مبارزات اجتماعی نرسیده اند تا آگاهانه ریشه ی این مرض «اجتماعی عمل کردن» را از بیخ و بن بخشکانند.

ک. ابراهیم

۱۲ مهر ۱۳۹۷

۲۰۱۸-۱۰-۰۵



بود و نبود ... بقیه از صفحه اول

بورژوازی دیگر به طبقه ای ضد کل بشریت تبدیل گردیده و رهبرانشان بیشتر و بیشتر برای نجات نظام پوسیده و گندیده شان فاشیستی عمل می کنند و در پی ایجاد جهانی سوخته و لعنت خورده می باشند که روزالوگزامبورک سوسیالیست اوایل قرن بیستم آنرا بربریت نامید. امروز بورژوازی طبقه ایست که کره زمین را به این مصیبت دهشتناک کشانده و همچنان نمایندگان بزرگ آن بر این مسیر ضد بشریت پافشاری دارند. مبارزه علیه سرمایه داری باید در برگیرنده مبارزه برای پاک نگهداشتن محیط زیست باشد. بورژوازی ایران و نمایندگان حاکم آن که زیر عبای اسلام و شعبه اثنا عشری عمل می کنند در این جنایت تاریخی سهم بزرگی دارند. و سرزمین ایران را به یکی از بحرانی ترین کشورهای جهان از لحاظ محیط زیست تبدیل کرده اند. رودخانه و دریاچه را خشک کرده اند، جنگل ها را سوزا نده اند و اکثر شهرهای بزرگ با آلودگی هوا دست به گریبانند. در این مورد رژیم جمهوری اسلامی دارای سیاست مشترکی با دارودسته ی ترامپ در آمریکا است.

ترامپ نماینده کنونی امپریالیسم آمریکا در کاخ سفید با کورس جدید جهانی اش و طرد نظر های دانشمندان در باره ی وضع وخیم تغییرات جوی که تاکید دارند ناشی از فعالیت های نا هنجار سرمایه داریست،

که آمریکا از جنگ جهانی دوم به قدرت اول جهان غرب تبدیل شد. غولی را که خود از شیشه بیرون آورده بودند دیگر نمی توانستند به بطری بر گردانند. امروز چین با ادامه سیاستی جهانی و مدافع سر سخت جهانی کردن اقتصاد سرکردگی آمریکا و قرن آمریکا را زیر سوال برده است. رسالت ترامپ به نمایندگی از بخشی از سرمایه آمریکائی سد کردن چین در پیشروی بسوی یک ابر قدرت سرکرده است. این کورس جدید آمریکا که بعضی ها آنرا جنگ سرد نو می خوانند بزرگترین عامل تشدید کردن خسارات محیط زیست خواهد بود.

واقعیات اقتصادی جهان نشان می دهد که قرن ۲۱ در حقیقت قرن دوم آمریکا خواهد بود بلکه قرن چین است ولی هنوز کی برکی فائق می آید حل نشده است و درست بدین خاطر است که امروز حاکمیت آمریکا به سرکردگی ترامپ برای جلوگیری از رشد باز هم بیشتر چین سیاست جنگ سرد را در پیش گرفته است و جنگ اقتصادی اش به جنگ سیاسی ارتقا یافته و آخرین ناوگان های جنگی شان در دریای چین تا چهل متری فاصله از هم پیش رفتند. جنگ ادامه سیاست با وسایل دیگر است و کورس سیاسی دولت ترامپ چین را هم که یکی دیگر از کشورهای تولید کننده گازهای سمی است به رقابت بیشتر وادار خواهد کرد. شواهد عینی و عملی زیادی موجود است که نشان میدهد آمریکا استراتژی جهانی خود را در مقابله با قدرت سیاسی و نظامی چین تغییر داده است و قرن بیست و یکم قرن جدال این ابر قدرت ها برای سرکردگی بر جهان است. این سیاست سرکرده گرائی آمریکا در قرن بیستم و اوایل قرن کنونی چیری جز جنگ و بدبختی برای کارگران و زحمتکشان به بار نیاورده است. و امروز در ادامه آن نابودی کل کره زمین را تهدید می کند. باید با آن به مبارزه برخاست. تنها راه نجات هم سوسیالیسم است و گرنه سرنوشتی جز بربریت در انتظار بشریت نیست.

ر. دیلم



بی شک در رقابتی بازم بیشتر برای ادامه سلطه در جهان قرار می گیرد. ترامپ در مصاحبه شصت دقیقه ای در کانال ای بی سی در روز یکشنبه چهاردهم اکتبر بار دیگر نظرات اخیر دانشمندان را رد کرد و گفت همچنان نه به جهان بلکه به منافع آمریکا نظر دارد و تاکید کرد در پشت گزارش دانشمندان یک برنامه سیاسی است که با منافع آمریکای من در تضاد است. ترامپ رییس جمهور آمریکا با سرعت آمریکا را بر سیاستی که خود آنرا «آمریکا اول» لقب داده است به دوران جنگ سرد جدیدی سوق می دهد اما اینبار نه آمریکا و متحدان ناتوی اروپائی اش در برابر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بلکه جنگ سردی که طبق سخنرانی اخیر معاون رئیس جمهوری آمریکا علیه جمهوری توده ای چین است. این کورس دولت ترامپ بی شک از ماهیت سرمایه داری انحصاری سلطه گرا آمریکا بر می خیزد و مهار کردن آن با توجه به تاریخ تحولات سرمایه داری آمریکا و گرایش هژمونی طلبی آن در چند قرن اخیر امریست نزدیک به نا ممکن. بربریت در انتظار بشریت حلقه در را به شدت می کوبد و دانشمندان بر این تاکید دارند بربریت هم اکنون وارد شده. هنگامی که اقتصاد دانان در اوایل قرن بیستم در تکامل سرمایه داری در یافتند گرایش انحصاری جریان عمده را تشکیل می دهد و جنبه عمده را در تضاد و رقابت بین انحصارات می دانستند غافل از این بودند که در ادامه ی جهانگشائی سر مایه، گرایش هژمونی طلبی یا سرکردگی بر جهان به سیاست اصلی ابر قدرت ها تبدیل می شود.

پس از جنگ جهانی دوم وزیر امور خارجه آمریکا در سال ۱۹۴۵ به جهان اعلام کرد قرن بیستم قرن آمریکاست و در پایان قرن بیستم باردیگر سیاست مداران آمریکا یی بویژه با فرو پاشی کشور شوروی اعلام کردند قرن بیست و یکم هم قرن آمریکاست و تعریف کردند که جهان و کلیه سازمان های جهانی باید در چنین واقعیتی شکل بگیرد و بدان خدمت نماید. بحران ساختاری سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ چنان ضربه ای به توهم تاریخی بزرگ سرمایه داران بویژه سیاستمداران آمریکایی وارد ساخت که امروز هم همچنان تلو تلو میروند. چین را که عضو جی هفت نبود به جی بیست دعوت کردند و برای نجات سرمایه از او تقاضای کمک نمودند. چین از این بحران سرمایه داری با قدرتی عظیم بیرون آمد همانطور

بهداشت عمومی و مجانی برای همه

وابسته به آنان را به شکست های نظامی و سیاسی متعددی دچار کند. تنگ شدن عرصه نظامی غرب در سوریه به جمهوری اسلامی امکانات و شرایط بسیار مناسبی را داده است که بتواند با تکیه به آنها قدرت نظامی خود را به رخ مخالفین های متعدد خود بکشد و در خاورمیانه موضع خود را در ظاهری مظلومانه به جلو ببرد.

اعدام های اخیر ، موشک باران نیروهای حزب دموکرات ، موشک پرانی به سوریه همه و همه از این شرایط پیش آمده برای جمهوری اسلامی نشات می گیرد. در واقع جمهوری اسلامی با دوروند همزمان روبرو است از یک طرف با اعتراضات توده ای و اعتصابات رانندگان کامیون و بسیاری از بخش های کارگری روبرو است که طبقات فرودست جامعه را به سطح بالاتر و پیشرفته تری از مبارزه کشانده است و حمله به رژیم اسلامی قدم به قدم فراگیرتر می شود و بطور جدی چالش های مهمی را پیش روی رژیم گذاشته است . خیزش های طبقات محروم در نبود یک آلترناتیو قوی اجتماعی ، یک حزب گسترده ، قوی و آگاه و انقلابی در عین اینکه دچار پراکندگی و ضعف است اما بطور پیگیری به مبارزات اجتماعی علیه رژیم و بخاطر خواست های اولیه خود ادامه می دهند. شکل های مبارزه تغییر می کند و همراه شرایط به اشکال تازه ای دست می یابد. روند دوم فرو رفتن هر چه بیشتر رژیم اسلامی ایران در باتلاق کشمکش های سیاسی- نظامی در سطح جهانی و خاورمیانه است. رژیم اسلامی آیا می تواند از تنگناهای اقتصادی و اجتماعی از یک سو و مبارزات کارگران و زحمتکشان از سوی دیگر که بطور دائم آنها مورد تهدید قرار می دهد بیرون بیاید. تجربه تا کنونی نشان داده است که رژیم با تنگناهای اقتصادی به شیوه تسلیم بیشتر و بازکردن درهای بازارهای ایران به روی کمپانی های فراملیتی. بالا ، بردن قیمت ارزهای خارجی ، تعطیلی واحد های تولیدی از طریق عدم پرداخت ارزهای صنعتی و قاچاق کالا مقابله می کند. که تمامی آنها بصورت مستقیم و غیر مستقیم از جیب و نیروی کار کارگران و زحمتکشان و مزدگیران جامعه پرداخت می شود.

در موضوع برخورد به مسئله مبارزات کارگران و زحمتکشان، سرکوب شکنجه و زندان و توطئه های امنیتی ، فکری ، تشکیلاتی شیوه اصلی رژیم است که خود به



مقاله مفصل جداگانه ای نیاز دارد
توسل این بار رژیم به قهر آنها با موشک های مورد مناقشه از طرف غرب. جوابی به غرب و شاخ و شانه کشیدن برای رقبای سیاسی داخلی و منطقه ای و حتی جهانی خود و بی اهمیت جلوه دادن مناقشات بین المللی در زمینه برجام ، تحریمات آمریکا و مسئله موشکی در ایران ، می باشد. بویژه اینکه موشک های ایران این بار در نزدیکی یکی از پایگاههای آمریکا در خاک سوریه به هدف نشسته است . دلیل اینکه رژیم در ابعاد تبلیغاتی گسترده مسئله موشک زدن به حزب دموکرات کردستان و سوریه را در مدیاها مطرح می کند. از ناتوانی های رژیم در رابطه با جنبش های اخیر در ایران و چرخاندن آن به طرف شرایط جنگی دارد که بتواند با توسل به آن جنبش داخلی را سرکوب کرده و در خارج شکل تهاجمی خود را از دست ندهد. اما آن دورانی که جمهوری اسلامی بتواند فضای نظامی همچون جنگ ایران و عراق را بر جامعه حاکم کند ، آنها هم به دلیل حضور جنبش ها و اعتراضات قوی اجتماعی و درهم ریخته گی اقتصادی و سیاسی رژیم طی دهه قبل گذشته است . اگر در سال های گذشته تکیه رژیم در ایجاد فضای جنگی در جامعه بر روی نیروهای حزب الهی و فشار ایدئولوژیک و تا حد ضعیفی توهم برخی از اقدار جامعه بود. اما این بار نه تنها دیگر از پشتیبانی و توهم محدود اجتماعی برخوردار نیست بلکه مسیر مبارزات توده ای ، جمهوری اسلامی را هرچه بیشتر به محاق انفراد و نفرت اجتماعی از آن سوق داده است. موقعیت بدست آمده از حمله تروریستی در اهواز به رژه نظامی و مردمی که به تماشا ایستاده بودند ، دست رژیم تروریست اسلامی را در سرکوب های اجتماعی همچنین در عکس العمل های خارجی تا حدودی بازکرد. در چنین فضای اجتماعی است که سپاه پاسداران مهمترین نهاد نظامی و امنیتی رژیم از حملات موشکی طی یکسال گذشته سه بار استفاده کرده است. تا ظاهراً از قدرت نظامی خود به مثابه مشت محکمی علیه دشمنانش استفاده کند. این حملات که با پشتوانه های عقیدتی و ناسیونالیستی عقب مانده ای هم همراه شده است در خدمت تحمیق مردم با این نوع ابزارهای فکری است . در اینجا بایستی خاطر نشان کرد که سالیان طولانی سرکوب خلق عرب و دیگر خلق های ایران این موقعیت را به دست دشمنان مردم داده است که از مسئله تروریسم برای به ویرانی کشیدن مبارزات بر حق مردم علیه

درباره: حزب رنجبران ایران در مبارزه طبقاتی

حزب رنجبران ایران در مبارزه طبقاتی پاسخش به «چه می شود؟» و «چه باید کرد؟» چیست

برای پاسخ به این پرسش ها ضروریست اشاره ای کنیم که این حزب در این سال های طولانی و قبل از تاسیس تشکلاتی که آنها بنیاد گذاشتند چه گونه به این پرسش ها پاسخ گفته اند ، سیر تکاملی آنها با رشد و انکشاف جامعه چه بوده است .

چهار دهه از ایجاد حزب رنجبران ایران می گذرد. تشکیل دهندگان آن ۹



تتشکل کمونیستی که سالهای طولانی در امر سازماندهی کمونیستی در شرایط سخت دیکتاتوری محمد رضا شاه در گیر بودند از طریق تبادل نظر و راه یابی مشخص و در محیطی گرم و رفیقانه با آموزش و مشورت در کلیه سطوح تشکیلات با هدایت کمیته مشترک وحدت پایه ریزی شد. کادر های تشکیل دهندگان اولیه «کمیته وحدت» که در همان ماه های اول سال ۵۸ تشکیل شد و حدود یک سال در تدارک برگزاری اولین کنگره حزب کارکردند، اکثرن نمایندگان بازماندگان لشکر خونین کمونیست هایی بودند که دو دهه در نقد مشی رفرمیستی حزب توده ایران برای یافتن راه انقلابی مبارزه ی نظری همه جانبه ای را به پیش برده ، در عمل انقلابی برای ایجاد حزبی از نوع بلشویکی آن شرکت کرده و کادر ها و اعضای آن جان خود را بی دریغ در راه کمونیسم فدا کرده بودند. از میان آنها سازمان انقلابی حزب توده ایران دارای سابقه ی طولانی تر و ارتباطاتی گسترده تربود که با ارائه جمعبندی از پراتیک شانزده ساله خود و سند پایه ای بنام پلاتفرم وحدت مارکسیست- لنینیستها برای ایجاد حزب کمونیست ایران در کمیته وحدت ۹ تشکل بالا شرکت کرد. در اینجا ما تنها اشاره ای به شانزده سال مبارزه ی سازمان انقلابی داریم . جا دارد یاد آوری کنیم که هشت سازمان دیگر هم در همین مسیر بنا به توانایی های خود کارکرده و از تجربه عملی مبارزاتی بر خوردار بودند.

حزب رنجبران ایران از زمان تشکیل تا بحال مسیر پر پیچ و خم و سختی را گذرانده و همچنان بر این باور است که بدون یک حزب انقلابی که از وحدت کمونیستها بوجود آید و در پیوند فشرده با طبقه کارگر باشد، انقلاب سوسیالیستی که امروز به بدیل اجتناب ناپذیر جامعه ایران تبدیل شده است تحقق نخواهد یافت. امروز حزب رنجبران ایران با توجه به اوضاع و پراتیک خود وظیفه مبرم و فوری جنبش کونیستی و کارگری ایران را ایجاد یک حزب متحد انقلابی بر اساس اصول ، برنامه و تاکتیک می داند و بر این نظر است که شرایط برای انجام چنین وظیفه ای هر روز آماده تر می گردد . چرا که از سویی آگاهی طبقاتی و لزوم تشکل سیاسی پیشرو طبقه ، کادر های فعال را به لشکر عظیم کار عرضه می کند که به نوبه خود نقش مهمی در مبارزه با تفرقه کنونی دارد و از سوی دیگر اکثریت رفقای کمونیست از این تفرقه و گرایش سکتاریستی به ستوه آمده اند و خواهان خاتمه

دادن به این وضع هستند. بدست آوردن این مواضع و نقطه نظر ها در مسیر یک راه راست و صافی بدست نیامده است ، ده ها افتادن ها و برخاستن ها ، اشتباهات و تصحیحات حتی انحرافات و غلتیدن به چاله های اپورتو نیستی چپ و راست بوده است ، اما در طول این مسیر کمونیسم علمی و پافشاری کادرها روی اصول آن توانسته حزب را به ادامه راه انقلابی پرولتاریا سوق دهد. این یکی از ویژگی های حزب رنجبران است که با تمام فراز و نشیب هایش امروز همچنان در سمت انقلاب پرولتاریای ایستاده و از کمونیسم دفاع می کند. این ارزیابی که حزب کمونیست باید از وحدت کمونیست ها شکل بگیرد در پشت خود یک پراتیک شصت ساله دارد. در طول این مسیر هر جا با تشکل های کمونیستی روبرو شده ضمن دست همکاری دادن به آنها روی یکی شدن و ایجاد یک حزب متحد از کل جنبش کمونیستی پافشاری کرده است. حزب در تجربه آموخته است از یکسو باید بعنوان گردانی از جنبش کارگری و کمونیستی با معیار های حزب سازی لنینی به کار مستقل خود بپردازد و از سوی دیگر باید برای ایجاد حزب یکی شده و متحد کمونیستی که بر اساس اصول و برنامه مشترک کمونیستی بوجود می آید مبارزه کند. همه راه های دیگر جز انحلال طلبی و گروهی گری ثمره ای به بار نخواهد آورد. در شرایط اجتماعی ایران که دیکتاتوری ضد کارگری و کمونیستی بیداد می کند ، امپریالیسم و بورژوازی هیچگاه به طبقه کارگر این امکان را نداده و نخواهند داد که در بستر مبارزات جاری به خود آگاهی و تشکیلات سیاسی کمونیستی خود برسند. این واقعیت تاریخی از زمان ایجاد حزب کمونیست ایران حدود یک قرن پیش تا به امروز ادامه یافته است. درست با توجه به شرایط است که کمونیست ها باید در هر قدم به جلو و موازی بارشد و گسترش جنبش کارگری سلول های کمونیستی یکی شده ، زنده و مخفی در میان توده ها بوجود آورد. جنبش دیمه ۹۶ که در صد شهر ایران و تا ده روز دوام یافت تحولی تاریخی در مسیر جنبش کارگری ایران بوجود آورد که امروز بزرگترین لشکر تغییر را توده های وسیع کارگری و پابرها و نیروهای آگاه طبقاتی و کمونیستها و سوسیالیستها تشکیل می دهند. جنبش دیمه عبور از یک مرحله ی «انتخاب بد از بدتر» و نه به ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی بودو تأیید مشی سیاسی پرولتاریا که امروز اکثریت نیروهای چپ و کمونیست مهر تأیید بدان می زنند. این یک پیروزی

بزرگی برای جنبش کارگری ایران است و شاید آیندگان جنبش دیمه را تولدی نوین برای صعود طبقه کارگر به حساب آورند. ماتریالیست های تاریخی اوضاع و تکامل مبارزه طبقاتی را همیشه در پیوند با گذشته مورد بررسی قرار می دهند و در پرتو تجارب گذشته و اوضاع مشخص حال برنامه و سیاست های خود را پایه می ریزند. جمعبندی های پراتیک و مبارزات به ما کمک می کند تا از یکسو بهتر به چگونگی رسیدن به مواضع کنونی خود پی ببریم و چرا بر روی چنین مواضعی ایستاده ایم سازمان انقلابی حزب توده ایران در روند پایه ریزی چون یکی از نقد های اساسی اش از رهبری حزب توده بی عملی و خارج نشینی بود در همان آغاز با رفتن گروهی از اعضای بریده از رهبری به ایران بعنوان معیاری در پیوستن به آن مشخص کرد و تشکیلاتی را سازمان داد که اعضا و کادر هایش می بایستی پای در رکاب باشند و طبق ا احتیاج به داخل روند و در مبارزه طبقاتی تحت شرایط دیکتاتوری سیاه پهلوی فعالیت کنند. این باز گرداندن آب رفته به جوی و مسیر درست بود. بعد از سرکوب خونین کودتای بیست و هشت مرداد ، تلاشی سازمان افسری و فرار رهبری حزب توده به خارج ، آغازی نوین و انقلابی بود که نسلی جوان پرچم آنرا بلند کرد. درست در پیروی از سیاست شرکت در عمل انقلابی و رفتن به ایران ، سازمان انقلابی به مبارزه مسلحانه در جنوب ایران در میان ایل قشقائی پیوست و دوفتر از کادر های سازمان انقلابی رفقا عطا کشکولی و ایرج کشکولی را از خارج برای شرکت در آن مخفیانه به داخل گسیل داشت. در آن زمان ایران در یک شرایط بحرانی قرار داشت و مردم کارد به استخوانشان رسیده بود و سازمان ارزیابی می کرد که شرایط برای مبارزه مسلحانه فراهم است و از یک جرقه حریق بر خواهد خاست و بر این اساس دو رفیق سازمان انقلابی که در دوره های آموزشی حزب کمونیست چین که تجربه انقلاب پیروزمند چین را بیان می کردند شرکت کرده بودند و با توجه به اینکه محلی و سابقه مبارزاتی در میان ایل داشتند هنگامی که قیام بهمن قشقائی بر پا شد برای اینکار انتخاب شدند. یکسال هم این گروه مسلحانه دوام داشت ولی با حمله وزیر دربار وقت اعلم و پشت قران امضا کردن و امان دادن به بهمن قشقائی او را به تور انداختند و در نتیجه گروه مسلحانه هم چون بر اساس وابستگی های ایلی

پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست



بویژه در میان کارگران، ایجاد تشکیلات حزبی در کویت و دبئی برای گسیل کادرهای شناخته شده، تجدید تربیت آنها با کارکردن در شرایط کاری بسیار سخت و در عین حال جلب نیرو از میان کارگران ایرانی مهاجر در منطقه. بدین ترتیب سازمان توانست نه تنها با تمام سرکوب های یکی پس از دیگری توسط رژیم جنایتکار پهلوی زنده باقی بماند و هربار که رفیقی را اعدام می کردند جوانان دیگری را برای ادامه مبارزه متشکل سازد بلکه کار مخفی و علنی را باهم تلفیق دهد، تشکیلات خارج کشور را کاملن و همه جانبه در خدمت تشکیلات داخل نوسازی نماید. این مقاومت و ایستادگی مثبت محکمی بود به دهان وادادگانی از میان صفوف سازمان که نتوانستند به تعهد خود به جمع و تشکیلات وفادار بمانند و به صف دشمن پیوستند و کار عمده شان مبارزه با سازمان انقلابی و نیروهای چپ و کمونیست بود.

مبارزه ی سخت، بغرنج سازمان برای ایجاد حزب کمونیست که در بریدن از حزب توده بعنوان وظیفه مرکزی مشخص شده بود از یک روند همه جانبه ایدئولوژیک - سیاسی گذشت. سازمان انقلابی حزب توده ایران به درستی به این جمع بندی رسید که بریدن از حزب توده نمی تواند محدود به تشکیلات باشد، باید و اساسی تر است که در قلمرو ایدئولوژیک و سیاسی گسترش یابد و عمیق شود. این مبارزه تاریخی تا به امروز همچنان علیه اپورتونیزم راست حزب توده و رویزونیسم هنگامی که رهبری به طرفداری از خط سه مسالمت آمیز خروشچف بر خاست ادامه یافته است. در آن زمان که تازه نوک دکل انحراف بزرگ تاریخی رویزونیسم نمایان شده بود و رفیق مائوتسه دون با جمع بندی داهیهانه اش از مبارزه بین دو خط مشی در جوامع سوسیالیستی اولین نقد خود را بر نظرات رهبر حزب کمونیست ایتالیا رفیق تولیاتی نوشت، مبارزه ای سخت جهان کارگری و کمونیستی را فرا گرفت. پایه گزاران سازمان انقلابی جزو اولین پرچمداران این جنبش نوین ضد رویزونیسم در ایران بودند و در اولین کنفرانس خود که در تیرانا تشکیل شد قاطعانه علیه رویزونیسم حزب کمونیست شوروی موضع گرفتند. بدین ترتیب حزب رنجبران ایران نه تنها در عمل از مبارزه ای سخت گذشت بلکه با برافراشتن پرچم سرخ اندیشه مائوتسه دون و مبارزه ای بی امان علیه رویزونیسم مدرن از لحاظ ایدئولوژیکی چون سنگ خارا در

از سازمان برای پیوست به آنها دعوت شد یکی از کادر های رهبری را فورن برای ایجاد ارتباط با گروه مسلحانه به کردستان گسیل می دارد و با ملحق شدن نماینده سازمان انقلابی به گروه پاتیزانی محلی و روشن شدن مواضع رهبری جنبش که خود را مارکسیست می دانستند و با استقبال توده ی دهقانی منطقه روبرو شده بودند. سازمان انقلابی بر اساس گزارش رفیق رهبری اعزامی گروهی از کادرهای خود را که در چین و کوبا و فلسطین دوره های تعلیماتی دیده بودند از جمله دو پزشک که در خواست میرم رفیق اسما عیل شریف زاده بود، به کردستان اعزام کرد. متأسفانه هنگامی کادر های سازمان انقلابی به کردستان رسیدند که رژیم ایران با همدستی دارودسته بارزانی توانسته بودند با سیاست محاصره و سرکوب پیشاهنگان گروه مسلحانه را از جمله شریف زاده و ملا آواره را به قتل برسانند. اما همچنان منطق سازمان انقلابی مبارزه، شکست، مبارزه بود. بار دیگر سازمان باید به آن دو سؤال پاسخ می داد: چه می شود و چه باید کرد؟ اولین گام جمع بندی از تجربه مبارزه مسلحانه و شکست آن بود. رفقای سازمان انقلابی توانستند با کمک اتحادیه میهنی کردستان بازماندگان گروه مسلحانه را پیدا کنند و مشترکن اوضاع را پس از آن بررسی نمایند. نتیجه جمع بندی این بود که باید به کار طولانی تری برای در میان کارگران و زحمتکشان ده بپردازند و مهمتر اینکه با کل جنبش سراسری باید پیوند فشرده ای بر قرار باشد و این امر تنها از طریق یک حزب کمونیست امکان پذیر است. درست است که این سه حرکت عملی سازمان انقلابی بخاطر توازن قوا و تاکید روی مبارزه مسلحانه جدا از توده ها به شکست رسید اما در اینجا این پای در عمل بودن سازمان انقلابی ثمره ای ببار آورد که همچنان تا به امروز پا برجاست. تماس با جنبش مقاومت مردم در ایل قشقائی و جنبش انقلابی کرد و مبارزه برای بردن کمونیسم علمی به میان انقلابیون راستین از خود گذشته کرد که بنا بر گفته رهبرانی چون جلال طالبانی و نوشیروان مصطفی نقش مهمی را در این زمینه به سازمان انقلابی داده اند. اما اوضاع کردستان و تغییرات سریع در اوضاع ایران بویژه جمع بندی از یک دهه سازماندهی پراکنده رهبری سازمان انقلابی را به نتایج عملی نوبینی رساند که این سیاست تا انقلاب ۵۷ ادامه یافت. ایجاد تشکیلات داخل، گسیل رفقای شناخته شده باتغییر هویت به داخل، گسترش کار توده ای

بوجود آمده بود پراکنده شد و معلوم شد قسم شاه و اعلم خدعه ای بیش نبوده چون او را پس از تسلیم شدن به جوخه اعدام سپردند. عطا و ایرج با کاردانی و آگاهی به منطقه توانستند از محاصره و سرکوب توسط نیروهای دولتی بیرون روند و پس از گذشتن از مناطق کوهستانی و راه پیمایی طولانی خود را به بندر عباس برسانند و از آنجا با کمک تشکیلات به دبئی و از دبئی به اروپا منتقل شوند. سازمان انقلابی اولین تجربه مبارزه مسلحانه خود را پس از جدا شدن از رهبری حزب توده جمع بندی کرد و تحت نامه ای از جنوب در «توده» ارگان سازمان انقلابی انتشار داد.

در همان زمان با حادثه معروف به کاخ مرمر که یک سرباز جانباز دربار شمس آبادی در قصر شاه قصد کشتنش را کرده بود، رفقای ما را جمعی دستگیر کردند و اتهام تروریست به آنها زدند. دستگیری آنها که اکثرن از اعضای کنفدراسیون بودند حرکتی بس متحد کننده در خارج کشور بوجود آورد و با تشکیل دادگاه علنی در تهران و دفاع مستدل پرویز نیکخواه در رد آنها مات تروریستی از یکسو و دفاع از فعالیت های کمونیستی گروه و افشای وضع امنیتی جامعه، صدای جنبش نوین کمونیستی جدا از رهبری حزب توده را به کلیه محافل چپ و مترقی رساندند و جان تازه ای به جنبش چپ دادند. احکام طولانی زندان و سرکوب شدید ساواک عملن این تجربه را هم به شکست تشکیلاتی کشاند با اینکه هر دو تجربه توانست از لحاظ سیاسی پیروزی بزرگی را به سود مشی پای در عمل بودن بدست آورد و از لحاظ تشکیلاتی سازمان انقلابی در برابر رهبری حزب توده توانست بیش از نود درصد اعضای حزب توده را به خود جلب کند. درس اساسی این دو تجربه این بود که سازمان باید خط مشی تودهای را در پیش گیرد و امر کار در میان کارگران را اساس قرار دهد. هربار که در حرکت عملی انقلابی سازمان شرکت می کرد با اینکه در نبرد با دشمن طبقاتی و دستگاه های نظامی و امنیتی آن شکست می خورد اما منطق سازمان ادامه مبارزه بود چون از همان آغاز به منطق طبقه کارگر مبارزه، شکست بازهم مبارزه تا پیروزی خود را مسلح کرده بود و اعضا و کادر هایش آگاهانه جرات به روبرو شدن با دشمن قوی تری را در خود تقویت می کردند. بیخود نبود که کمی دیرتر هنگامی که اسماعیل شریف زاده رهبر پیشمرگان انقلابی حزب دمکرات ایران و ملا آواره

بحران دولت سازی پارلمانتاریستی

به همان ترتیبی که با رشد نظام مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله به سطح سرمایه داری به آخرین سطح رشد سرمایه داری امپریالیستی از خود بیگانگی را در کلیه فعالیت‌های اجتماعی تکامل داد، در عرصه سیاسی در حزب سازی و در تشکیل دولت با تکیه به رقابت حزبهای ظاهری، دولت سازی دچار بحران رو به فزونی سراسری شده اند.

اگر نمونه های انتخابات پارلمانتاریستی در کشورهای پیشرفته ی سرمایه داری با دقت نگاه کنیم، علیرغم انتخابات حزبی در عرصه های تشکیل مجلس، دولت، ریاست جمهور، به خاطر حفظ ظاهر دموکراتیک بودن نظام سرمایه داری، مدت زیادی بعد از پایان انتخابات و معلوم شدن نماینده گان احزاب کوچکتر چند درصدی که صلاحیت ورود به مجلس ندارند و به دنبال آن انتخاب نخست وزیر یا رئیس جمهور به دلیل نیاوردن اکثریت آراء در تعیین این دو نوع شخصیت بالای مسئول دولتی با تضادهای زیر رو به رو می شوند:

۱- از ۱۰۰٪ تعداد افراد حائز شرایط شرکت در انتخابات در تمام کشورها، در بهترین حالت ۷۰- ۸۰٪ رای دهنده ی شرکت کننده گان و ۳۰ تا ۲۰٪ ممتنعین در انتخابات، در مثلا از کل جمعیت کشور ۸۰ میلیونی (۵۶ تا ۶۴ میلیون) نفر رای دهنده برای یک کاندیدا بحساب ماکزیمم ۶۴ میلیونی رای دهنده، ۴۴٪ (برای ۶۴ میلیون ضرب در ۷۰٪ آراء) و ماکزیمم رای ۸۰٪ آراء با ۲۱٪ (۶۴ میلیون ضرب در ۸۰٪ آراء) که تنها انتخابات اکثریت بالاتر از ۵۱٪ نماینده منتخب قابل دفاع از انتخابات می باشد که حداقل اکثریت دموکراتیک می باشد که هیچگاه هم در انتخابات چنین آرائی حداقلی به وجود نمی آید.. در حالی که در صورت جود دو یابیشتر رقیب شرکت کننده مختلف برای نخست وزیر و رئیس جمهور شدن هرگز نمایندگان منتخب نماینده اکثریت مجلس و یا برای نخست وزیری و ریاست جمهوری منتخب مردم نبوده و این گونه انتخابات فقط بامحاسبات جعلی در کشورهای سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری دموکراتیک ترین حکومت کشورها به حساب نباید آورده شوند.

۲- کمتر کشوری را در جهان میتوان

کارگران پیشرو استوار باشد و در سبک کار از خط مشی توده ای - از توده به توده ها ، انتقاد و انتقاد از خود و مرکزیت بر اساس دموکراسی پیروی کند در دستور کار میرم و ضروری خود قرار داده است و درست در خدمت این وظیفه روی وحدت کمونیستها و یکی شدن پافشاری می کند .

دوم: مبارزه برای بسط و گسترش تشکل های کارگری طبق شرایط مشخص هر واحد تولیدی و ایجاد شوراهای کارگری هر جا و هر زمان میسر است چه بدون چنین وحدت و تشکیلاتی از کارگران نه بدیل سوسیالیستی می تواند اجتماعی شود و نه حزب کمونیست متحدی شکل بگیرد .

سومین: مبارزه برای ایجاد وسیعترین اتحاد توده ها از کلیه نیروهایی که دوستان و طرفداران بدیل کارگری در برابر بدیل بورژوازی و سرمایه داری و امپریالیسم هستند. به باور حزب رنجبران ایران که از مسیر طولانی، سخت و بفرنجی گذشته و راهش با خون بهترین فرزندان خلق گلگون است انجام چنین وظایفی عملی است و پیروزی بدیل سوسیالیستی ممکن. باید یکی شویم ، باید حزب کمونیست را از یکی شدن کمونیستها بوجود آوریم ، باید بیش از پانزده میلیون کارگر را یاری دهیم تا متشکل شوند و بر چنین استخوانبندی طبقاتی اتحادی با هم وسیع تر و عظیم تر برای پیروزی در انقلاب سوسیالیستی به پیش رویم .

به پیش بسوی یکی شدن و ایجاد حزب متحد کمونیست ایران

به پیش بسوی بسط و گسترش تشکلات مستقل کارگری درسراسر ایران

به پیش بسوی بسیج عظیم ترین توده های ستمدیده ، استثمار شده برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی

ر.دیلیم

برابر حملات همه جانبه حزب توده ایران ، چریک های دنباله رو آنها تا به امروز ایستادگی کرده است. این مبارزه تا آنجائی پیش رفته که رهبری حزب توده و چریک های اکثریت در همکاری با دستگاه های امنیتی رژیم اسلامی تشکیلات حزب رنجبران را لو می دادند و آقای نگهدار در مصاحبه تلویزیونی با بی بی سی نه تنها به آن اقرار دارد بلکه چنین جنایتی را هنوز هم درست می داند.

خوب باید یک نکته مهمی را در این سیر تکاملی باز گو کرد . عقاید صحیح از آسمان نازل نمی شود ، خط مشی صحیح انقلابی برای رهایی طبقه کارگر و بشریت در دورانی که نظام سرمایه داری در تمام زمینه ها از فرهنگ گرفته تا دین و روابط خانوادگی حرف اول را می زند و حتی احزاب کمونیست را مثل حزب بلشویک و حزب کمونیست چین را از گردونه انقلابی و طبقه کارگر بیرون پرت می کند سازمان انقلابی و حزب رنجبران ایران مبارزه بی امانی را علیه نظرات انحرافی که هر چند یک بار در درونش شکل می گرفت به پیش برد و با تاکید پافشاری بر اصول کمونیسم علمی هر بار توانست با جمع بندی از پراتیک خود ، با انتقاد و انتقاد از خود ، با آموزش و کمک آموزشی به رفقایی که دچار اشتباه شده بودند و خواست نوسازی داشتند ، به نوسازی ادامه دهد. حزب رنجبران ایران از یک مسیر بفرنجی برای حفظ استحکام افکار هدایت کننده اش گذشته و امروز روی اصول کمونیسم علمی ، دفاع همه جانبه از دستاوردهای عظیم طبقه کارگر جهانی و کلیه مارکسیست - لنینیست های جهان ، همچنان به راه انقلاب تا آخر با براندازی کل نظام سرمایه داری جهانی ، امپریالیسم و ارتجاع محلی و منطقه ای ، برای جهانی بدون ستم ، بدون تبعیض ، جهانی خالی از استثمار انسان از انسان مبارزه می کند. و در برابر پرسش « چه می شود ؟ » پاسخش اینست انقلاب خواهد شد و برای اینکه این انقلاب منحرف نشود و بسود مردم تکامل یابد در برابر پرسش دوم « چه باید کرد ؟ » حزب رنجبران ایران روی مشی سیاسی مبارزه برای پیروزی بدیل کارگری در برابر بدیل های بورژوازی و سرمایه داری و امپریالیسم مبارزه می کند و برای پیشبرد این مشی و ایجاد شرایط برای پیروزی اش درسه زمینه فعالیت کنونی خود را سازمان می دهد :

یکم: ایجاد حزب متحد بلشویکی را که افکار هدایت کننده اش کمونیسم علمی ، ساختمان تشکیلاتی اش بر استخوانبندی





زمستان می‌رود و روی سیاهش به ذغال می‌ماند

در راه انقلاب حوادثی رخ می‌دهد و تجاربی به دست می‌آید که در آغاز کار تصورش را هیچگاه نتوان کرد و تنها در مسیر راه و در پراتیک اجتماعی است که قابل رویت میشود و شرایط برای برخورد بدان میسر می‌گردد. ما از نسلی بودیم که سرود مان از مقاومت کمونیست‌های استالینگراد در برابر متجاوزان هیتلری به نظم در آمده بود و فریاد هایمان از ایستادگی روزبه‌ها در میدان‌های تیر حکایت داشت. از آن زمان تا کنون چندین دهه می‌گذرد. در این سال‌ها صد‌ها هزار انقلابیون کمونیست و کارگران در مبارز برای رهایی و برابری جان خود را فدا کرده‌اند. در این جا از قهرمانان انقلابی نمی‌خواهم حرفی بزنم، می‌خواهم از رژیم‌های جنایتکار حاکم در ایران که با زور، شکنجه و اعدام به زندگی سیاسی نکبت بار خود ادامه داده‌اند و سیاست سوء استفاده آنها از عناصری که در جریان مبارزه طبقاتی خط عوض کردند اشاره‌ای داشته باشم. شصت سال از اولین دیدار پرویز نیکخواه، پنجاه سال از دیدار او با شاه و چهل سال از اعدام او توسط خمینی می‌گذرد.

پرویز نیکخواه را در روز اول کالج وست مینستر در لندن سال ۱۹۵۸ وقت نهار ملاقات کردم و پس از یکی دو جلسه معلوم شد از یک ریشه سیاسی جان گرفته ایم، دست رفاقت دادیم

در آن زمان هنگامی که مبارزه طبقاتی در جامعه ایران در حال گسترش بود و جنبش نوین کمونیستی و کارگری با نقد رفرمیسم و رویزیونیسم حزب توده ایران سکوت مرگبار سال‌های پس از کودتای آمریکایی بیست هشت مرداد را شکسته بود و جوانان بویژه محصلین و دانشجویان پای در عمل برای تغییر انقلابی و رهایی از سلطه امپریالیسم و دارودسته وابسته به آن برخاسته بودند. هنگامی که در سطح جهانی ملت‌ها برای بدست آوردن استقلال خود از یوغ استعمار و امپریالیسم آزادی می‌خواستند، توده‌های سراسر جهان در پی دموکراسی و برابری و بهبود زندگی خفت بار خود بویژه در کشورهای پیرامونی به کارزار می‌رفتند و سراسر پیوسته بودند، جوانانی از ایرانیان را می‌یافتی که در پی سازماندهی سیاسی و نجات ایران و انقلاب بودند. از هاوانا تا بیروت، از الجزیره تا پکن، دسته

باهمی» را به وجود آورند مثلاً وحدت در جنگی که در پیش دارند تا بتوانند دولت و غیره را تشکیل دهند و یا وحدت گذرانی موقت در ایجاد دولت به صورت (coalition) که وحدتی ممکن است به ادغام در یکدیگر و یا جدائی از هم صورت گیرد. هر دوی این تلاشها نشانی جز این نیست که به علت عدم اعتماد توده‌های مردم، انتخابات نوع پارلمانی به سطح گندیده‌گی رسیده و انتخابات نوع شورائی که از دست آوردهای مبارزاتی طبقه کارگر انقلابی روسیه و پشتیبانی قاطع حزب بلشویک روسیه به رهبری این حزب، امروزه با کیفیت کمونیستی آن طرد انتخابات پارلمانی بورژوائی را نشان داده و کارگران جهان را بیش از پیش در آموزش به اصول این انتخاب به مراتب دموکراتیک باید کارگران جهان را آگاه، متحد و مبارزه با تغییر نظام سرمایه داری با تحقق انقلاب سوسیالیستی تحت رهبری احزاب کمونیست فراهم نمایند و از خود بیگانگی سازی جهان طبقاتی ضدبشری را به زباله دانی تاریخی بریزند. ک. ابراهیم -

۲۴ مهر ۱۳۹۷ (۱۶ اکتبر ۲۰۱۸)



با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که تکیه‌ی حزب به اعضاء وتوده‌ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر وتوده‌ها

یافت که تقابلهای از جانب حکومتها یا احزاب سیاسی در قدرت در انداختن رای‌های قلابی با تعویض جعبه‌های رای ریخته شده و یا رای افرادی که از جهان چشم فرو بسته اند یا خرید رای و دیگر انواع کلکها آراء نماینده‌گان خود را جهت پیروز شدن فراهم نمی‌کنند. امری که نشان می‌دهد ادعای دموکراسی پارلمانی به پائین تر از آنچه که در نکته بالا آمد به طرف کمتر سقوط می‌کند.

۳- در کشورهایی که آزادیهای دموکراتیک به مثابه حقوق دموکراتیک توده‌های کارگر و زحمت کش نه تنها مراعات نمی‌شوند، بلکه مبارزات این اکثریت تحت استثمار و ستم حتا در ایجاد تشکلهای سندیکائی با شکنجه و زندان و اعدام روبه‌رو می‌گردند، احزاب چپ و کمونیست با ممنوع بودن، کمونیستها شدیداً با کنترل فاشیستی روبه‌رو می‌باشند، صحبت از انتخابات دموکراتیک، در کشورهای سرمایه داری جعل تاریخی بزرگی می‌باشد. که بالاترین رای «دموکراتیک» ریاست جمهوریها بین ۲۰ تا ۳۰٪ رای می‌باشد.

اما انتخاب تاریخی بزرگی در اثر پیشرفت مبارزه طبقاتی و افسار گسیخته‌گی ظلم و ستم نظام سرمایه داری و بالا رفتن درک توده‌های کارگر و زحمت کش از ماهیت ضد دموکراتیک انتخابات پارلمانی و با مبارزات درخشان رهائی بخش جنبشهای کارگری و توده‌ای، در تجربه بیش از ۲۰۰ ساله توده‌های کار و زحمت دیده‌اند که احزاب و دولتهای سرمایه داری به موقع انتخابات قولهای زیاد به نفع توده‌های مردم جهت دزدیدن رای آنها می‌دهند، ولی به محض پایان انتخابات چرخ حاکمان بر همان پایه‌ی ادامه ظلم و استثمار و ستم در خدمت به بقای حاکمیت سرمایه داری با تکیه بر حفظ جهان خود از هیچ جنایتی ابا نمی‌کنند. امتناع بیش از ۲۵٪ دارنده‌گان حق رای، بی‌آبرو شدن احزاب بورژوائی خرده بورژوائی در خدمت به حفظ حاکمیت موجود، افزوده شدن حزب‌سازیه‌ها و بی‌اعتباری این احزاب حتا در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی بزرگ نظیر آمریکا، آلمان، انگلیس، ایتالیا، اتریش و سوئد و غیره جالب بررسی می‌باشد. جلب آراء اکثریت ۵۱٪ انتخابات چه در شرایطی که احزاب به تنهایی قادر به کسب اعتماد اکثریت آراء مردم نیستند از یک سو با مذاکره احزاب مختلف در خدمت به شیره مالیدن به سر مردم در حفظ نظام سرمایه داری به صورت فریب ائتلاف درازمدت (alliance) احزاب وحدت «همه

سرنگونی باد رژیم جمهوری اسلامی ایران



های از خود گذشته ، خود را برای شرکت در مبارزه برای انقلاب کردن در دوره های آموزشی آماده می کردند . از سوی دیگر دستگاه امنیتی شاه ساخته و پرداخته سی آی ای و موساد از یک تیغ دولبه علیه نیروهای چپ و کمونیست استفاده می کرد یکی دستگیری ، شکنجه و اعدام و دیگری دستگیری ، شکنجه و گرفتن اقرار و نمایش های تلویزیونی. شیوه ای که رژیم جمهوری اسلامی هم پس از آن ادامه داد.

در آن زمان هر جوانی که به صفوف انقلابیون می پیوست می دانست با چه دشمنی روبروست و اولین درس دوره های آموزشی حل مسئله مرگ و زندگی بود. تنها کسانی می توانستند در شرایط خشن دوران سلطه ی محمد رضا شاهی به مبارزه ی متشکل ادامه دهند که بی هراس از مرگ خود را نوسازی می کردند. اما پراتیک لازم بود تا معلوم شود چقدر این امر نهادینه شده است. زندگی آموزگار درستی بود، در جریان مبارزه یاد می گرفتیم در برابر تیغ دولبه ساواک باید از روش های چند لبه ی مشت در برابر مشت را بکار ببریم. در نتیجه هر وقت از میان ما رفیقی در نیمه راه باز می ماند و توانائی اش را در ادامه مبارزه از دست می داد ، ضمن تلاش برای نجاتش هنگامی که دیگر رفتنی بود همگی به او کمک می کردیم که به زندگی عادی خود بر گردد و دوستی و رفاقت مان حفظ شود ، بر این عقیده بودیم روزی دگر بار باز خواهد گشت. هر وقت از میان ماریفی را دستگیر می کردند و با شکنجه های شدید او را به جوخه های اعدام می سپردند می نوشتیم و فریاد می کردیم : انقلاب مجلس مهمانی نیست ، جنگی طبقاتی است که مرتجعان برای ادامه سلطه خود بر ما تحمیل کرده اند و راهی جز ادامه مبارزه در پیش نداریم. اما نوع دیگری هم داشتیم : هر وقت از میان ما رفیقی را زیر شکنجه به قصد کشت توسط نیروهای امنیتی به زانو در می آوردند و با نمایش های رسانه ای ضد کمونیستی توسط رژیم همراه می شد با تبلیغات زهر آلود گروه های ضد سازمان انقلابی برای توجیه سیاست های سکتاریستی و گروه گرایانه ی خود روبرو می شدیم. بی شک رهبری رویزیویستی حزب توده در این سیاست و روش نقش اساسی را داشت و در این چهل سال حکومت اسلامی دستگاه های امنیتی آن از همان حربه علیه حزب رنجبران ایران استفاده کرده است . بیخود نیست که دستگاه های تبلیغاتی رژیم جنایتکار خمینی با استفاده از پرونده های دورغین ساواک

علیه کمونیستها ، تاریخ را جعل می کند ، به نفی کامل مبارزات افتخار آمیز جوانان چپ و کمونیست دهه ی چهل و پنجاه می پردازند . از رفقای سازمان انقلابی ، کادر های جان باخته آن که در برابر شکنجه ها تا آخر ایستادند و از کمونیسم و راه پر افتخار تشکیلات خود دفاع کردند حرفی نیست اما مقالات و کتاب ها در باره یکی دوتا از عناصری که وادادند و از کمونیسم بریندند ، می نویسند. بی شک تاریخ نویسان راستگو دهه ی چهل و پنجاه را یکی از پر فروغ ترین سال های خروج جنبش نوین کمونیستی و کارگری ایران خواهند نوشت که به درستی ستون اصلی خیزش جنبش های توده ای علیه شاه را آماده کرد و بی شک مبارزات کنفدراسیون جهانی نقش بسزایی داشت. برای دو دهه باید دهه ی شصت را هم باید اضافه کنیم که دهه ی باز هم پر افتخار در مقاومت کمونیستها است که اینبار در میزانی گسترده تر پا به میدان گذاشته بودند.

اما درد و غم مبارزان کمونیست از این تاریخ سرا سر مقاومت که راهش با خون بهترین فرزندان خلق گلگون شده است ، نیست ، هر بار و هر زمان رفیقی را که با شعار مرگ بر شاه و یا مرگ بر خمینی زیر شکنجه می بردند و به جوخه های اعدام می سپردند ، کمونیستها غم و درد از دست دادن بهترین ها را به نیرو تبدیل می کردند و در ادامه مبارزه استوار تر گام بر می داشتند اما در این مسیر سخت گلگون شده گاهی شکنجه ها و گلوله های شکر آلود توان مبارزه را از رفیقی می گرفت و متأسفانه به ابزاری در دست دشمن تبدیل می شد. درد و رنج چنین وضعی بیشتر و سنگین تر میشد هنگامی که گروهی گری و سکتاریسم بعضی ها را تا آنجا به انحراف می کشید که با دشمن همسو می شدند و کل مشی و تشکیلات ما را زیر سوال می بردند. این سبک کار چه در دوره شاه و چه امروز همچنان بکار گرفته شده و باید به نقد کشیده شود چون کاملن در خدمت دشمنان طبقاتی کمونیست ها و کارگران است.

پنجاه سال پیش پرویز نیکخواه پس از دفاع جانانه اش از عقاید کمونیستی اش در دادگاه و کشتیدن پنج سال زندان رنگ عوض می کند و طی نامه هایی به اعضای کنفدراسیون جهانی و رفقای تشکیلاتی سابقش می نویسد شاه انقلاب سفید را دارد دنبال می کند ، مستقل است و وقت آنست بدان پیوست. نوشت شما می دانید با سر بلندی در دادگاه از نظراتم دفاع کردم

پنج سال ونیم زندان را پشت سر گذاشته ام ولی راهی را که رفته ایم اشتباه است . پس از سه دهه دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی هم بار دیگر تحت عنوان " ترور شاه " دست به جعل تاریخ زده شمس آبادی سرباز گارد را که در جران کاخ مرمر کشته شد فدائی خمینی و جنبش اسلامی معرفی کرده است و در عین حال با طرح مسئله پرویز نیکخواه که بدست جلادان خمینی در همان روزهای انقلاب اعدام شد ، به لجن پراکنی نسبت به جنبش چپ پرداخته است. رژیم جمهوری اسلامی و دستگاه های امنیتی آن با اوج گیری جنبش کارگری پس از خیزش صد شهر در دیماه ۹۶ و مقاومت همه جانبه کارگران هفت تپه و اتوبوس رانی تهران در برابر طرح ایجاد تشکلات زرد ، دست به تبلیغات وسیعی علیه جنبش چپ زده و برای خوش خدمتی به قدرت های ضد کمونیست جهانی همانند حکومت شاه خطر کمونیسم را در ایران جار می زند. در ماه گذشته مجله " نامه اقتصاد " روی جلد خود را با تیتر درشت با عکس لنین به همین موضوع اختصاص داد و به سران حکومت هشدار داد که از مارکسیست - لنینیست ها غافل مانده اید که سازماندهندگان جنبش دیماه بودند و برای براندازی نظام مشغول سازماندهی می باشند.

ر.دیلیم



**بجز نوشته هایی که با
امضای تحریریه منتشر
می گردد و بیانگر
نظرات
حزب رنجبران ایران
می باشد،**

**دیگر نوشته های
مندرج در نشریه رنجبر
به امضا های فردی
است و مسئولیت آنها با
نویسندگانشان می باشد.**

از حقوق معلمان کشور از جمله حق اعتصابشان پشتیبانی کنیم



اپورتونبستی با آگاهی کاذب براحتی فریب خورده و از منافع طبقاتی اش دور می شود. رابعاً - نظام سوسیالیستی بر خلاف نظام های دیگر که در آنها فقط شکل بهره کشی عوض می شود و عوامل موجود تاثیر چندانی در پیدایش آنها ندارند، اما این نظام بعنوان حاکمیت نمی تواند در بستر فوق الذکر شکل بگیرد، بلکه طبقه کارگر برای رسیدن به سوسیالیسم (بعنوان پله اول جامعه بی طبقه کمونیستی) تنها در اثر آنکه وحدت فکرش را از راه اصول کمونیسم با وحدت مادی سازمانی (که میلیونها زحمتکش را به صورت یکپارچه) به شکل ارتش طبقه کارگر متحد می سازد می تواند تقویت یافته و به نیروی شکست ناپذیری تبدیل گردد. حزب سیاسی تنها ابزار سیاسی هدایت مبارزه طبقاتی برای رسیدن به سوسیالیسم، نتیجه چنین روندی می باشد. جنبش سوسیالیستی بعنوان حوزه فعالیت روشنفکران انقلابی طبقه کارگر، در پیوند و تلفیق آگاهانه و دیالکتیکی با مبارزات خود به خودی کارگران، از طریق عناصر پیشرو، تشکل های توده ای، اشکال مبارزه و سازماندهی و خواستهای جاری در محیط کار و زندگی کارگران و زحمتکشان بنیاد حزب انقلابی کارگری را پی ریزی می کند. حزب طبقه کارگر دارای خصیصه و ویژگی های اساسی زیر می باشد:

۱- حزب طبقه کارگر بخشی از طبقه و گردان پیشاهنگ آن است، حزب را باید با تمام طبقه مخلوط کرد، حزب از طریق انتخاب بهترین افراد از میان کارگران، از بین آگاهترین و متشکل ترین و از خود گذشته ترین افراد که آماده هر گونه فداکاری در راه آرمان رهایی - انقلابی هستند تشکیل می شود.

۲- حزب مسلح به آگاهی سوسیالیستی، عالی ترین مظهر آگاهی پرولتاریاییست که تجربه سرشار و سنتهای انقلابی آن را می اندوزد و ضمن انتقال آنها را به کار می بندد و به کمونیسم به عنوان علم شرایط رهایی طبقه کارگر یعنی به علم شناخت و درک قوانین تکامل اجتماعی و علم انقلاب و حکومت کارگری مجهز می شود. بر این مبنا قدرت تعیین استراتژی و تاکتیک و توضیح اوضاع سیاسی بنابراین قدرت رهبری سیاسی را دارا می باشد.

۳- حزب به تنهایی گردان پیشاهنگ بلکه همچنین گردان متشکل طبقه کارگر است حزب وقتی می تواند نقش پیشاهنگی خود را ایفا کند که ضمن گردان واحد مشترک طبقه برای وحدت عمل بودن، وحدت اراده را کسب کرده باشد، در حالی که وحدت

ب - آگاهی انقلابی - کمونیستی بعنوان علم شرایط رهایی کارگران و سازماندهی مبارزه طبقاتی، انقلاب و حاکمیت مستقیم شورائی بعنوان ادامه علوم پایه ای جامعه جدا از مبارزه خود بخودی کارگران توسط جنبش سوسیالیستی ایجاد و به درون مبارزه طبقاتی برده می شود، (حال آگاهی دهنده یا رساننده آگاهی می تواند کارگر انقلابی و آگاه باشد یا کمونیست و سوسیالیست انقلابی که به روند و علم رهایی انسان آگاهی یافته و از طبقه خود کنده شده به طبقه کارگر پیوسته است). رابطه این دو جزء یعنی رابطه عینیت مناسبات اقتصادی- اجتماعی - سیاسی مستقل از ذهن ما با تئوری سوسیالیسم انقلابی، بعنوان علم انقلاب و حکومت کارگری و علم شناخت قوانین تکامل جامعه در شناخت ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران وجود دارد، در ک رابطه دو جزء بیان شده و تجزیه و تحلیل و درک ماهیت دولت، آرایش طبقاتی، انقلاب پیشرو، برنامه و استراتژی و تاکتیک طبقه کارگر با محور قرار دادن اصول مشترک دو جزء فوق می باشد. عبارت روشن تر قوانین تکامل و رشد اجتماعی - اقتصادی - سیاسی یک واقعیت عینی خارج از شعور و درک ساده ستمدیدگان می باشد که فقط از طریق شناخت این قوانین، اشکال مبارزه و تشکل و راههای سازماندهی و چگونگی رهایی، اشکال سرکوب دشمن و ... تنها از طریق کمونیسم علمی می توان در جهت تغییر انقلابی جامعه حرکت کرد.

حزب رزمنده سیاسی طبقه کارگر از تلفیق آگاهانه عینیت و عناصر مبارزه طبقاتی بعنوان موتور حرکت انقلابی جامعه، با آگاهی انقلابی سوسیالیستی، بعنوان مشعل شناخت آن در پیوند ارگانیک و واحد بدست می آید، طبقه کارگر بعنوان نیروی اصلی انقلاب و رهایی بشریت و حاکمیت شورایی و دمکراتیک انقلابی بنا به دلایل زیر بدون ارتباط ارگانیک میان جنبش سوسیالیستی و جنبش خود بخودی نمی تواند حزب خود را بسازد:

اولاً- به دلیل وجود رقابت هرج و مرج طلبانه در جامعه سرمایه داری دچار پراکندگی بوده و به دستجات مختلف تقسیم شده و جدایش بر وحدت اش تسلط دارد. ثانیاً - در جریان تولید برای سود سرمایه و فروش نیروی کارش به قسمتی از روند انباشت سرمایه تبدیل شده و تحت رهبری غیر خود قرار دارد. ثالثاً - در محیط از خود بیگانه، و تحت تسلط فکری سرمایه داری و جریانانات



سندیکای مستقل، وزارت کار،
سندیکا سازی دولتی و...
« چه باید کرد »؟
اسماعیل بخشی

مصاحبه‌ای با شاهرخ زمانی پیرامون حزب سیاسی طبقه کارگر و ویژگی‌های آن (۲)!

مصاحبه‌ای با شاهرخ زمانی پیرامون حزب سیاسی طبقه کارگر و ویژگی‌های آن (۲)!
توضیح کمیته حمایت از شاهرخ زمانی: این مصاحبه پیش از انتقال شاهرخ زمانی به سلول‌های انفرادی انجام شده

۳- حزب طبقه کارگر اصولاً چگونه حزبی است؟ چه خصیصه و ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟
جواب: با علم به اینکه هر تشکیلات سیاسی انقلابی به عنوان بخشی از گروه‌های اجتماعی منافع آن طبقه و لایه را در حوزه رهایی از بردگی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و رسیدن آن به حاکمیت نمایندگی می کند، اساساً هر تشکیلات انقلابی بر دو پایه بنیادی استوار است، الف - اعتقاد به این اصل ماتریالیسم تاریخی که "تاریخ را توده ها می سازند" و یا "انقلاب کار توده هاست" و یا این اصل بنیادین مانیفست کمونیست که آزادی طبقه کارگر بدست خودش میسر است.

اراده بدون سازمان قابل تصور نیست، حزب به منزله گردان آگاه طبقه کارگر مظهر تشکل آن است حزب وقتی می تواند مبارزه طبقه کارگر را با موفقیت رهبری کند که یک سازمان به هم پیوسته باشد تشکل و آگاهی با یکدیگر ارتباط نزدیک دارند هر قدر سطح آگاهی بالاتر باشد سازمان کامل تر است، حزب به مثابه گردان پیشرو، کاملترین سازمان طبقاتی سیاسی کارگران متناسب با شرایط زمان خود است .



۴- حزب تجسم ارتباط گردان پیشاهنگ با توده های کارگران است، از میلیونها نفر تشکیل می شود حزب برای گسترش و تقویت ارتباط با توده های غیر متشکل و پراکنده و غیر حزبی و جلب اعتماد طبقه کارگر همواره از طریق سازماندهی تشکلهای صنفی فرهنگی و آموزشی و همچنین دفاع از خواستها و مبارزات جاری طبقه کارگر تلاش می کند که بدون این ارتباط و پشتیبانی، کارگران هویت طبقاتی و وجودی خود را از دست می دهد (یا نمی توانند هویت طبقاتی کسب کنند) در شرایط سرکوبهای فاشیستی برخلاف ادعاهای صنفی گرایان و علنی گرایان اپورتونیست که می گویند در تجمع عناصر پیشرو در یک سازمان متمرکز و با انضباط ارتباط آنها را با توده ها ضعیف می کند برعکس به قول لنین رهبر بزرگ کارگران هر قدر سازمانهای حزبی که ما کارگران آگاه و سوسیالیست انقلابی را در بر گرفته اند محکمتر باشند هر قدر تزلزل ناپذیری و ناپایداری در داخل حزب کمتر باشد تأثیر آن بر عناصر توده های کارگری که در پیرامون حزب وزیر رهبری آن قرار دارند (به علت ثبات و پایداری در ادامه ی کاری فعالیت انقلابی مستقل سیاسی و کارگری و سازماندهی مبارزه سیاسی (گسترده تر ، همه جانبه تر بیشتر و ثمربخش تر خواهد بود. لازم به ذکر است تشکل کارگری مستقل بدون طبقه مستقل نمی تواند وجود داشته باشد و طبقه کارگر با توجه به تسلط سرمایه داری بر تمامی زوایای جامعه بدون وجود حزب نمی تواند استقلال داشته باشد، بنا براین استقلال تشکل کارگری بستگی به استقلال طبقه و استقلال طبقه بستگی به وجود حزب دارد و وجود حزب بستگی به پیوند ارگانیک میان جنبش سوسیالیستی با جنبش خود بخودی کارگران دارد.

۵- اصول سازمانی حزب بر پایه سانترالیسم دمکراتیک قرار دارد اصل سانترالیسم بدان معنی است که حزب باید بر اساس اساسنامه واحد و برنامه واحدی سازمان یافته و

. فقط با وجود چنین حزب انقلابی که با توده ها مربوط و به تئوری صحیح انقلابی مجهز باشد و بتواند وضع سیاسی را درست تشخیص داده و شعارهای مبارزه را بر پایه تحلیل علمی طرح نماید می توان به آینده پیروزی انقلاب کارگری امیدوار بود، فقط با وجود چنین حزب رزمنده در عرصه مبارزه و تبلیغات سیاسی به عنوان اهرم پرورش سیاسی کارگران می توان با تأمین هژمونی طبقه کارگر نیروی اکثریت ناراضی غیر کارگری _ دمکراتیک را نیز متشکل کرده، ذهن آنان را از لحاظ سیاسی روشن ساخته و درک مصالح خود و راههای آزادی از جور ستم را به آنان آموخت، و به عنوان تریبون همه ستمدیدگان پیرامون برنامه دمکراتیک حداقلی طبقه کارگر گرد آورد .

۶- بافت یک تشکل سیاسی و تفاوت آن با یک تشکل صنفی چی می باشد ؟

جواب : در این مورد اگر بخواهیم از کلی گویی های معمول تکراری دوری کنیم در شرایط مشخص ایران تشکیلات سیاسی بر اساس سازماندهی مبارزات انقلابی - سیاسی در مضامین دمکراتیک و سوسیالیستی متشکل از نیروهایی از طبقه کارگر و فعالین سوسیالیستی _ کارگری را شامل می شود که :

اولاً - به انقلاب و حاکمیت سوسیالیستی کارگران و حزب سیاسی آن اعتقاد داشته باشد، و برنامه، چهارچوب و ساختار عملی فعالیت خود را در این راستا ، میان کارگران و کل جامعه تنظیم می کنند.

ثانیاً - چنین ساختاری با توجه به جو سرکوب فاشیستی بر اساس تجارب فعالیت انقلابی مخفی ملی و جهانی باید بتواند ادامه کاری این فعالیت را برای سازماندهی اشکال عمل سازماندهی و تبلیغات سیاسی در داخل تضمین کند، بنابراین ثالثاً- چنین تشکیلاتی باید بر اساس یک مرکز غیر قابل دسترس خارجی و بر پایه تشکیلات غیر متمرکز بر اساس اصول سه گانه ، عدم تداخل ، عدم تمرکز و عدم تسری اطلاعات بنیان گذاری شود .

رابعاً - پایه های اساسی آن در داخل باید از انقلابیون حرفه ای که بر فن مبارزه با پلیس سیاسی مسلح بوده و تمام وقت در خدمت تشکیلات بوده و تا حد جان فشانی مبارزه می کنند تشکیل شود .

خامساً - حزب باید پایه های بنیادی خود را در دریایی از تشکلهای توده ای علنی و نیمه علنی استتار کرده و با هزاران پیوند با توده ها و بر اساس تلفیق کار مخفی و علنی به عنوان دو زاویه اصلی سازمان دهی

فعالیت کند و از مرکز واحدی که کنگره حزبی و در فواصل کنگره کمیته مرکزی رهبری شده انضباط واحدی که برای همه یکسان است داشته باشد اقلیت از اکثریت و سازمانهای پایینتر از سازمانهای منتخب بالا تبعیت کنند دمکراتیسم خصلت اساسی حزب طبقه کارگر است که انتخابی بودن کلیه ارگانها ، گزارش دهی منظم ، تغییر کلیه سطوح رهبری انتخابی در کنگره های حزبی و رعایت حق اقلیت برای ابراز نظر آزادانه و استفاده متناسب با وزن خود از تمامی امکانات موجود در تمامی مواقع... از اصول بنیادی دمکراتیک می باشد. وحدت واقعی حزب نه تنها وحدت فکری بلکه مهمتر وحدت، وحدت سازمانی است و این وحدت بدون انضباط واحدی که برای تمامی اعضا از بالا تا پایین حتمی باشد متصور نیست . دمکراسی درون حزبی بر پایه حق شرکت تمامی اعضا در تمامی تصمیم گیریها و کارهای حزبی، انتقاد از خود و افشای بی رحمانه ی انحرافات و کمبودها ، دو پایه اساسی رشد انقلابی حزب ، پرورش کادرها و از بین بردن نارسائیهایی می باشد .

با این اوصاف حزب طبقه کارگر آگاه ترین ، متشکل ترین و جسورترین عناصر طبقه کارگر را متحد می سازد ، به سوسیالیزم علمی به عنوان دانش قوانین رشد اجتماعی مجهز است، برنامه روشن و تاکتیک انعطاف پذیر دارد، مکتب پرورش رهبران طبقه کارگر است، کارگران پیشرو در صفوف آن دانشهای نظری و تجربی سیاسی لازم برای رهبری تمام اشکال مبارزه طبقاتی را می آموزد ، کل حزب ، یعنی سلولهای کمونیستی ، کمیته ها ، و شخصیتهای حزبی با شرکت در مبارزه روزمره کارگران و دفاع تزلزل ناپذیر از منافع حیاتی آنها اعتمادشان را به خود جلب می نماید و تمامی این عوامل به حزب امکان می دهد بر همه سازمانهای کارگری و اقدامهای هماهنگ و مشترک آنان در جهت نیل به هدف واحد یعنی برافکندن رژیم بهره کشی و استبداد و برقراری نظام سوسیالیستی رهبری کند



نکند یک باز جویی می کند یا نهایتاً یک ماهی بازداشت می کند این به خاطر آبکی بودن فعالین کارگری نیست بلکه به خاطر آبکی بودن احزاب است) ما باید در کنار تلاش برای ایجاد حزب سیاسی از طریق گفته شده در مکمل آن و استفاده از تمامی تجارب جنبش کارگری ملی وجهانی در عرصه ایجاد تشکلهای توده ای در شرایط سرکوب هار مانند شورای متحده خودمان نهایت استفاده را بکنیم و سلولهای کمونیستی در محیط کار و زندگی کارگران در کنار کار تبلیغی و ترویجی خود باید زمینه سازی هسته و کمیته های مخفی و هیات های موسس مخفی که ایجاد سندیکاها و اتحادیه ها را مخصوصاً در موسسات بزرگ مانند نفت، پتروشیمی و ماشین سازیها هدف قرار دهند و بدانند این دو بستر مبارزه در عین فرق های مشخص در یک راستای تقویت آگاهی و همبستگی طبقاتی کارگران بعنوان یک طبقه رهایی بخش خود و جامعه طبقاتی موجود می باشد و بین اشکال مبارزه طبقاتی کارگران دیوار چین کشیده نشده است. ما نباید درک ساده انگارانه و فرمالیته از روند شکل گیری تشکل های توده ای - کارگری و یا شرایط فعالیت آنها داشته باشیم، در شرایط سرکوب هار و تشدید حکومت های استبدادی و تجارب ملی و جهانی مثل، آمریکای لاتین و جنوبی و یا حتی پس از شکل گیری کامل اتحادیه های کارگری در اروپا با ظهور فاشیسم آخرین مجامع عمومی اتحادیه با لغو شرایط فعالیت علنی رای به فعالیت مخفی و زیرزمینی دادند در این رابطه شکل گیری، بافت و نحوه فعالیت سازمانهای توده ای کارگران ساختار و شکل حکومت از لحاظ استبدادی و یا دمکراتیک، وجود حزب سیاسی قوی کارگری اصولی، تجارب تاریخی - ملی هر کشور، سیاست طبقات مسلط، و از همه مهمتر انحرافات فکری اپورتونیستی در درون جنبش کارگری نقش حیاتی دارند. برای مثال در موقع باز گشایی دفتر در میدان حسن اباد تهران در تشکیل سندیکا های مستقل بعثت خلاء حزب مستقل سیاسی کارگری علی رغم ایجاد تشکل هایی، اما این تشکل ها نتوانستند ادامه کاری فعالیت داشته باشند و در عرصه سیاسی هم اغلب پاسیو و یا دنبال رو جریانات بورژوایی بودند و از همه اینها مهمتر بعثت درک قانونی و علنی از مبارزه تمامی پتانسیل های موجود در این حوزه را که می توانست برای تشکیل حزب سیاسی جدی به کار گرفته شود برای دشمن رو کردند شما این روند را

خواسته صنفی بر روی چارچوب سیاسی و بر مدار سرنگونی گرایش پیدا می کند به همین صورت هم :
اولاً- پیچیدگی ساختارهای توده ای تا حد زیادی بالا می رود.
دوماً : ایجاد ساختار سیاسی نسبت به دیگر اشکال دست بالا پیدا می کند. ما در تجربیات انقلابی ایران، این مسئله را در حزب عدالت و حزب کمونیست (اولیه) می بینیم که پس از ایجاد این احزاب تشکل های توده ای تشکیل می شوند. (پس از ایجاد حزب عدالت ۱۶ اتحادیه و پس از ایجاد حزب کمونیست (اولیه) ۳۲ اتحادیه که به فدراسیون و عضویت جهانی ارتقا یافت تشکیل شدند) رفقایی که به آرمان رهایی طبقه کارگر در بدترین شرایط استبداد و عقب ماندگی اعتقاد داشتند، توانستند با همت بسیار زیاد به این کار نایل آیند برای درک شرایط استبداد کور و عنان گسیخته به شهادت رفیق محمد حجازی (بعنوان یک نمونه از دهها رفیق شهید شده در آن زمان) عضو فدراسیون سراسری که از مجمع جهانی سندیکاها کارگری برمی گشت اشاره می کنم که توسط مزدوران رضا شاه دستگیر و پس از سه روز شکنجه شبانه روزی زیر شکنجه جان باخت به طوری که اشاره کردیم در شرایط موجود بدون گردآوری جدی ترین و جسورترین مبارزین راه سوسیالیسم و انقلاب کارگری نمی توان از حزب سیاسی و نه از اتحادیه های کارگری صحبت کرد (برای مقایسه لازم است بدانید بین فعالین کارگری فعلی افرادی هستند که می توان حداقل پنج نفر از آنها را نام برد که در جلسات سندیکاها و دیگر تشکل های جهانی در خارج از ایران شرکت کردند و باز به ایران برگشتند و تقریباً "جمهوری اسلامی هیچ کارشان نداشت چرا؟ از نظر ما خشونت و حد سرکوب بین جمهوری اسلامی و دوره رضا شاه فرقی ندارد اما در دوره رضا شاه حزبی وجود داشت که شوخی بردار نبود برای همین رضا شاه نمی توانست از جان حجازی بگذرد و در حال حاضر احزاب موجود کاریکاتور هستند و فعالینی که در جلسات ویا کنگره های جهانی شرکت می کنند برای جمهوری اسلامی هیچ خطری ندارند حتی آن کنگره ها نیز برای سرمایه داری به عنوان شوخی دیده می شوند برای همین است که فعالین کارگری می توانند در جلسات جهانی شرکت کرده و به ایران برگردند و حتی موضوع بسیار علنی نیز معلوم می شود در نهایت جمهوری اسلامی برای اینکه کسی پروری

در جهت سازمان دهی کلیه اشکال مبارزه طبقاتی گام بردارد، چنین ساختاری از طریق نشریه سیاسی سراسری و مرکز سازماندهی که به طور زنده با سلولهای مخفی کمونیستی داخل در ارتباط ارگانیک بوده و بر اساس خواسته های دمکراتیک و سوسیالیستی فعالیت مستقل سیاسی انقلابی را پیش می برد به تریبون پویا و زنده توده ها تبدیل شده و عملاً "بهترین نیروها، تجارب مبارزاتی و اشکال سازماندهی و تشکل را در متن پراتیک مستقیم مبارزاتی به کار بسته و در جهت انقلابی و رهایی پرولتاریا رهبری خواهد کرد. بدون چنین ساختاری و به حرکت درآوردن فعال ترین و مومن ترین و جسورترین مبارزین طبقه کارگر صحبت از ادامه کاری سازماندهی فعالیت انقلابی - سیاسی و حتی ایجاد تشکلهای پایدار توده ای طبقه کارگر یعنی اتحادیه های سراسری بر اساس مفهوم مارکسی آن (در اتحادیه به مفهوم مدرسه سوسیالیسم و زمینه ساز انقلاب) غیر ممکن خواهد بود و حتی در صورت تشکیل در یک شرایط نیمه دمکراتیک بعثت نبود حزب سیاسی به چماق و ابزار دست سرمایه داری در ادامه استثمار دیگر طبقات تبدیل خواهد شد، و از طرفی با توجه به جو فاشیستی حاکم و کم شدن فاصله مبارزه اقتصادی و سیاسی فعالینی که در اعتقاد به حاکمیت کارگری و فعالیت سیاسی توان مبارزاتی نداشته باشند نمی توانند به طور پیگیر در این عرصه کار کنند چون کسی که در حد مبارزه صنفی طبقه کارگر مثلاً افزایش دستمزد و دیگر خواسته های رفاهی در چارچوب این نظام به فعالیت اعتقاد داشته باشد نمی تواند به دور از انحرافات حرفه ای و صنفی گرایی و فعالیت قانونگرایی و علنی گرایی فعالیت کند و رژیم عملاً با توجه به این نقاط ضعف بدنه و توده ای را از راس رهبری جدا کرده و از ادامه کاری فعالیت انقلابی در این عرصه جلوگیری می نماید. که اتحادیه سراسری به کنار حتی در حد یک صنف نمی تواند یک تشکل واقعی تشکیل دهند ما با تشکلهایی که اسم تشکل را یدک کشیده و کوچکترین نقشی در سازماندهی مستقیم ندارند کاری نداریم، توده ها در شرایط سرکوب پلیس هار به تشکل هایی اعتقاد و باور پیدا می کنند که بتواند با اشکال پیچیده سازماندهی مخفی و نیمه علنی پتانسیل مبارزاتی آنها را (توده ها را) در جهت تحقق مطالباتشان به کار گرفته و به پیروزیهای هر چند محدود نایل آورد، و با توجه به چرخش مبارزه سیاسی و وضعیت بحران و اختلالی که کوچکترین



مقایسه کنید با فعالیت حزب کمونیست اولیه که تحت هدایت آن از طریق شورای متحده کارگری با ۳۲ اتحادیه و فدراسیون سراسری که عضو تشکلهای جهانی بود به وجود آمد که بزرگترین اعتصابات کارگری را مخصوصاً در حوزه نفت سازمان داده و بعداً در شرایط نیمه دموکراتیک پس از سقوط رضا شاه شورای متحده تحت رهبری حزب توده با صدها سندیکا و اتحادیه تقویت شد تحت رهبری حزب سیاسی بزرگترین قانون کار دموکراتیک در سال ۱۳۲۵ را در خاورمیانه که حق تشکل و حق اعتصاب و قراردادهای دسته جمعی را به رسمیت می شناخت به دولت تحمیل کرد پس اگر ما بین اشکال مبارزه و تشکل طبقاتی طبقه کارگر به عنوان یک کل ارگانیک با هدف واحد رهایی از ستم و بهره کشی دیوار چین نکشیم و این اشکال را علی رغم اختلاف در عمق و سطح مکمل هم و در راستای هم ببینیم که باید همدیگر را در راستای هدف نهایی تقویت کنند در آن صورت به شیوه های عملی درستی برای سازماندهی و استارت کار خواهیم رسید به زبان ساده مبارزه برای نان و آزادی و یا مبارزه برای بهبود شرایط طبقه کارگر در شرایط بردگی اقتصادی در کنار مبارزه برای حق تشکل و اعتراض و تجمع حاکمیت کارگری و آزادیهای دموکراتیک عمومی در شرایط کنونی علی رغم اختلاف در سطح و درجه خواسته ها و بافت و نحوه فعالیت و اشکال سازماندهی مبارزه و تشکل با توجه به شرایط بحران انقلابی که هر گونه خواسته روی چهارچوب سیاسی حاکمیت متمرکز می شود و طبقه و حاکمیت طبقه سرمایه دار به شدت از آلترناتیو کارگری وحشت می کند از یک طرف این فاصله به شدت هم نزدیک شده و تا حدودی تنیده شده و از طرفی بدون هدف گذاری و برنامه ریزی منسجم و یکپارچه بین تمامی اجزای آن در یک قالب واحد شدنی نبود و اجزای همدیگر را دفع خواهند نمود. بنابراین فعالان سوسیالیستی _ کارگری در کنار ایجاد سلولهای سازنده سیاسی _ سوسیالیستی به عنوان اجزای حزب سیاسی کارگری در محل کار و زندگی کارگران و مخصوصاً کارخانجات به عنوان دژ اصلی مبارزه طبقاتی و انقلاب برای سازماندهی سرنگونی نظم موجود و ایجاد حاکمیت شورایی کارگران از طریق ابزار فعالیت کمونیستی یعنی تبلیغ، ترویج و سازماندهی باید مکمل همین روند و از طریق همین عناصر و با توجه به تمامی

تجارب و عناصر حال و گذشته طبقه کارگر در عرصه فعالیت صنفی _ اتحادیه ای هسته ها و هیئت های موسس مخفی و نیمه علنی در محیط های کارگری پی ریزی کنند. و چنین کاری نیاز به حزب و واقعا کمونیستی دارد.

ادامه دارد



فاشیسم و طبقه کارگر بقیه از صفحه آخر

تأثیر می گذارد، محافل امپریالیستی تلاش می کنند که بار بحران سرمایه داری را به دوش کارگران و مردم زحمتکش منتقل کنند، و بهمین جهت نیاز به اعمال فاشیسم دارند.

آن ها در تلاش برای حل مشکل بازار به تصرف و تسخیر کشورهای ضعیف، با تشدید استعمار، ظلم و ستم و تقسیم مجدد جهان از طریق جنگ مبادرت می ورزند، بهمین دلیل به فاشیسم نیاز دارند. آن ها در صدد جلوگیری از رشد نیروهای انقلاب (طبقه کارگر سازمان یافته)، با توسل به سرکوب نیروهای انقلابی و پتانسیل متحده کلیه کارگران و بوسیله حمله نظامی به روسیه و چین. بهمین جهت به فاشیسم نیاز دارند. تاریخ نشان داده است که این محافل امپریالیستی قبل از آنکه توده ها بطور مصمم و قاطع رو به انقلاب آورند، موفق شده اند که شکست را به طبقه کارگر تحمیل کرده و دیکتاتوری فاشیستی را برپا سازند. بهمین جهت ضروری است که کارگران در عمل علیه پیروزی فاشیسم متشکل و متحد شوند.

از لحاظ تاریخی پیروزی فاشیسم نشاندهنده ضعف طبقه کارگر، عدم تشکل و سازماندهی و افلیج بودن بواسطه سیاست متلاشی کننده سوسیال دموکراسی (سوسیال فاشیسم)، یعنی حزب کار، سبزها و برخی از رهبران اتحادیه های صنفی و غیره، و همکاری با طبقه سرمایه دار. رهبران سوسیال دموکرات چهره واقعی و جوهر طبقاتی فاشیسم را از توده ها پنهان می کنند و آن ها را به مبارزه علیه اقدامات ارتجاعی طبقه سرمایه دار فرا نمی خوانند. آن ها مسئولیت تاریخی بزرگی را مبنی بر این واقعیت که در لحظه تعیین کننده تهاجم فاشیستی آلمان، بخش بزرگی از طبقه کارگر آلمان و

تعدادی دیگر از کشورهای فاشیست، خون آشامترین هیولای سرمایه مالی را در فاشیسم که بدترین دشمن آنان محسوب میشد تشخیص ندادند و برای همین توده ها آمادگی مقاومت در مقابل آنرا نداشتند. همین پروسه (روند) امروز در استرالیا جریان دارد. این در عین حال ضعف خود طبقه سرمایه داری را بیان می کند، ترس از تحقق یک مبارزه متحد طبقه کارگر، ترس از انقلاب و عدم توانایی در پوشاندن دیکتاتوری پنهان علیه طبقه کارگر با شیوه های کهنه دموکراسی و پارلمانتاریسم سرمایه داری.

نهاد بلشویکی استرالیا غربی - برگرفته از ونگارد، ارگان حزب کمونیست استرالیا، مارکسیست لنینیست



نا برابر در توزیع... بقیه از صفحه آخر

(۲) دوما، تفاوت در دستمزدها و پرداخت برای کار در کشورهای پیرامونی، هرچند کوچک، هرگز به همان اندازه کاهش نمی یابد که این امر صرفاً براساس هزینه های اجتماعی آموزش می باشد. بسط و توسعه یافتن در اینجا از استراتژی کسانی که در قدرت هستند و صاحب سرمایه، از تاریخ آن و از آن نیازهای سیاسی دمساز با استفاده از قدرت توسط بلوک اجتماعی هژمونیک در هسته سیستم است، حاصل می شود. سوم، توزیع املاک صنعتی، تجاری، اموال، کشاورزی، ملی و غیره خود نتیجه تاریخ شکل گیری اجتماعی و توسعه سرمایه داری محلی ست. اگر کسی اذعان کند که هیچ « مدل ایده آل » سرمایه داری وجود ندارد، بلکه تنها اشکال تاریخی بنیادی آن، هیچ دلیلی وجود ندارد که این عنصر مهم در تعیین ساختار توزیع درآمد باید در همه جا به همان شیوه عمل کند. هرچه که علت های آن باشد، این امکان دارد توزیع تجربی رایج در جهان مقایسه شود. این قابل توجه است که مشاهده می شود که گسترش منحنی لورنز به هیچ وجه تصادفی نیست. به عنوان یک حقیقت، منحنی تمام کشورهای توسعه یافته سرمایه داری عضو او ای سی دی را در تنگنا قرار می دهند. در تقابل، توزیع درآمد در تمام کشورهای معاصر پیرامونی به میزان قابل توجهی نابرابر است. دو میانگین واضح در هر یک از دو گروه قرار داده شده با مقادیر زیر مطابقت دارند (۳):

۲۵٪ از جمعیت ۱۰٪ از درآمد کل را

در هسته و ۵٪ در پیرامونی



در اختیار دارند؛

۵۰٪ از جمعیت ۲۵٪ از درآمد را در هسته و ۱۰٪ در پیرامونی در اختیار دارند؛ و ۷۵٪ از جمعیت ۵۰٪ از درآمد را در هسته و ۲۳٪ در پیرامونی قرار دارند.

دسته بندی منحنی لورنز برای کشورهای توسعه یافته به این معنی است که جوامع غربی آشکارا ویژگی های توزیع درآمد مشابهی دارند. موقعیت کشورهای مختلف در گروه بندی هسته ای منحنی های لورنز هم چنین اشاره می کند که بهبود در توزیع درآمد مرتبط است به وجود نیروهای قدرتمند اجتماعی سوسیال دمکرات، اما میزان واقعی این بهبود بسیار محدود است. پیشرفته ترین کشورهای سوسیال دمکرات، در شمال اروپا، نزدیک به حد اقل منحنی نابرابری قرار دارند؛ لیبرال ترین (ایالات متحده) و کم ترین توسعه یافته (اروپا مدیترانه) نزدیک به بالاترین منحنی نابرابری هستند. گسترش منحنی برای کشورهای جهان سوم ممکن است در نگاه اول نا امید کننده باشد. هیچ ارتباط نمایان بین میزان نابرابری از یک سو و دارای رده بندی این کشورها از لحاظ عواملی مانند بطور درآمد تولید ناخالص سرانه، میزان اسکان در شهر، سطح صنعتی شدن، و غیره وجود ندارد. اما، همانطور که بعداً نشان خواهیم داد، بررسی دقیق تر می تواند مبنایی برای تفسیر این گسترش نتایج ارائه دهد.

اکنون ما می توانیم به سوالات جالب تر در بخش زیر ادامه دهیم: الف - آیا می توان از سطح تجربی خام به یک سطح بالا تر حرکت کنیم تا دلایل اساسی موقعیت های نسبی کشورهای مختلف را توضیح دهیم؟ و ب - آیا جهت حرکت مشاهده شده (طرف برابری بیشتر یا کمتر) وجود دارد و چطور باید آنرا حساب کرد؟ ما بر نمی گردیم به جزئیات نظری این منحنی ها که در جای دیگر به تفصیل شرح داده شده است (۴). ما تنها رؤس مطالب گسترده را در این جا توضیح خواهیم داد. در مورد توزیع درآمد در هسته سرمایه داری، سه فرضیه نظری پیوسته برای میانگین گروه بندی محکم از منحنی لورنز که نماینده کشورهای او ای سی دی هستند، کافی است.

فرضیه اول: اگر شکل گیری اجتماعی به یک شیوه خالص تولید سرمایه داری کاهش یابد، ساختار توزیع درآمد توسط میزان برون یافت ارزش اضافی تعیین می شود. اگر این مورد بود که کل جمعیت پرولتاریزه شوند و تمام پرولتاریا ها باید قدرت کار خود را با قیمت مشابهی که ارزش نیروی کار است

به فروش برسانند، و اگر ما فرض دیگری را که تعداد سرمایه داران ناچیز می باشند، حفظ کنیم مدل توزیع درآمد می تواند با یک خط مستقیم نشان داده شود که سراسیمی آن بر اساس میزان برون یافت ارزش اضافی در یک شکل گیری اجتماعی تعیین می شود.

فرضیه دوم: ما فرض می کنیم که قیمت های پرداخت شده به نیروی کار تقریباً حدود ارزش متوسط آن توزیع شده است، بطوریکه نسبت بین ربع ها ۱ به ۴ است.

فرضیه سوم: ما در این طرح کلی وجود تعداد معینی را معرفی می کنیم. شرکت های کوچک و متوسط و فعالیتهای گوناگون (شبه حرفه های آزاد یا لیبرال)، سکنه حقوق بگیر حاوی ۸۰٪ کل جمعیت، و ما فرض می کنیم که درآمد فردی اعضای این گروه های اجتماعی در وسط و در محدوده های با درآمد بالا در کل توزیع قرار دارند.

به این طریق، یک منحنی در نهایت به دست می آید که بسیار نزدیک به یک نماینده واقعیت تجربی دنیای سرمایه داری توسعه یافته معاصر است. در باره جوامع سرمایه داری پیرامونی، ما در دو مرحله اقدام کرده ایم. در مورد اول، ما یک جامعه روستایی «پیشا سرمایه داری» را در نظر گرفتیم، که در آن ۹۰٪ جمعیت، هم چنین بطور عمده روستایی تحت استثمار یک نوع « مساوات طلبی » قرار می گیرند، توسط یک طبقه ای از مالکینی که باجی برابر با نیمی از کل تولیدات کشاورزی دریافت می کند. در عین حال، اجتماع روستایی تفکیک داخلی نسبتاً کمی دارند، اما برای مقاصد مختلف از شرایط مطلوب طبیعی سود می برند که منجر به بازده سرانه با میزانی برابر با ۱ ربع برای فقیرترین تا ۲ برای ثروتمندترین می شود. بعد فرض کنید که یک جامعه کشاورزی در اصل از این نوع به توسعه سرمایه داری جهانی « نیمه مستعمره » ادغام شده باشد. یک طبقه کوچکی از مالکین و صاحب مال دهقان غنی (۱۰٪ از جمعیت روستایی) خراج گرفتن در شکل گرفتن کرایه مناسب می داند. با فشار های مربوط به ساختار جمعیت طی یک دوره پنجاه تا صد ساله عمل می کند، و در غیاب روزنه های صنعتی، یک سوم جمعیت به فقر مطلق گرفتار می شود. این یک سوم جمعیت روستایی (دهقانان بدون زمین و مالکین بسیار کوچک) از درآمدی تقریباً برابر با کمترین سهم کشاورزان دهقانی برخوردار است. اصلاحات ارضی در نهایت در اکثر این نوع مناطق رخ داده است. اگر کشورهای سوسیالیستی (چین، کره شمالی و

ویتنام) را استثنا قرار دهیم، این اصلاحات، کم و بیش رادیکال در ماهیت، زمین را به نفع طبقه متوسط، به ضرر مالکین ثروتمند، بدون تغییر قضا و قدر نیمی از دهقانانی که جز فقیرترین می باشند صورت می گیرد. در نهایت، منحنی که به بهترین وجه با این فرضیه ها مطابقت دارد، در واقع با یک میانی که نمایانگر وضعیت موجود در آسیای جنوبی و جنوب شرقی و هم چنین در جهان عرب امروز است، می باشد. جالب است که بدانیم این ساختار که در مرحله فعلی توسعه سرمایه داری با هژمونی بورژوازی محلی (اصلاحات ارضی و صنعتی شدن) همراه است، می تواند با چهار عامل اساسی توضیح داده شود:

الف) تاریخ گذشته یک جامعه طبقاتی روستایی که تنها اجازه می دهد دهقانان تقریباً نیمی از تولید خود را حفظ کنند؛ ب) تخصیص خصوصی مازاد در شکل اجاره زمین توسط مالکین ارضی و متعاقب آن با اصلاحات ارضی توسط دهقانان غنی؛ پ) یک نابرابری طبیعی در حاصلخیزی زمین های کشاورزی با میزانی از ۱ تا ۲؛ ت) افزایش تراکم جمعیت روستایی و شکل گیری یک ذخیره مازاد نیروی کار مرکب از حدود یک سوم نیروی کار روستایی را تشکیل می دهد.

به نظر می رسد « مدل » در مور وضعیت در آمریکای لاتین، حد اقل در مورد کشورهای بزرگتر مانند مکزیک، کلمبیا، پرو، و برزیل مطابقت دارد. این وضعیت در برخی مناطق آمریکای مرکزی که نیکاراگوئه تحت سوموزا و گواتمالا قرار دارد، به عنوان مثال، نمونه خوبی است. در تقابل، این « مدل » قطعاً در کشورهای جنوب صحرا آفریقا متفاوت است، جاییکه تجربه قبلی جوامع طبقاتی محلی ضعیف تر است، در دسترس بودن زمین بیشتر و غیره. در این مناطق، توزیع درآمد بدون شک نابرابر است، اگر چه اطلاعات دقیق غیر قابل دسترس است. معهذاً، حتی در اینجا این روند به نظر می رسد به طرف فرق گذاری بیشتری است، هم چنانکه تمام مطالعات تجربی (یا آزمایشی) نشان داده شده است. در مرحله دوم ما مفهوم اقتصاد شهری را به مدل مان معرفی می کنیم. در این مورد، ما یک بخش از سرمایه داری (که حد اکثر نیمی از جمعیت کارگران شهری را بکار می گمارد) پیدا می کنیم، که نتایج آن به واسطه فرض های زیر معتبر است: الف) نرخ بالا تر از ارزش اضافی که در نتیجه دستمزد و سود ۴۰/۶۰ است به جای ۶۰/۴۰؛



به جای آنکه توزیع درآمد نابرابر بیشتری را در پیرامونی (کشورهای) در نظر بگیرد، از پیش فرض می کند. تحقق ارزش در مقیاس سیستم بطور کلی نیازمند این مخالفت تکمیلی (مکمل) ساختارها است. بنابراین، یکی از اینها منجر به یک مسئله غیر قابل اجتناب می شود: تمایل کلی تغییرات در توزیع درآمد در درون کشورهای پیرامونی چیست؟ اگر چه اطلاعات دقیق در این قلمرو جزء جزء (یا جزئی) است، به نظر می رسد که بیشترین روند رسماً بیان شده ناشی از بدتر شدن نابرابری قطعاً طی صد سال گذشته (۱۹۸۰ - ۱۸۸۰) بوده است. یک تزی اغلب برای توضیح این واقعیت پیشرفته است که نابرابری در این مناطق به قیمت انباشت است و همین که مرحله اول تکمیل می شود (با کاهش ذخیره نیروی کار توسط دهقانان)، سیستم تمایل دارد این نابرابری را کاهش دهد. این تزی تجدید نظر (استیناف) خود را در میان طیف وسیعی از محافل، از حق سنتی تا برخی از مارکسیستهای انگلو ساکسون تجدید کرد. کار اخیر بیل وارن و انتقادات مختلفی که در موضع خود ما قرار دارد در این زمینه واقع شده است {۵}. این تزی به ما نشان می دهد که تحلیل واقعی از گسترش جهان سرمایه داری را جایگزین می کند، که در عین حال در حال متحد شدن با دیدگاه انتزاعی سرمایه داری است که تمایل به متحد شدن را کاهش می دهد. استدلالی که طرفداران این تزی به عنوان آخرین مقرر تبدیل می شوند این است که بدتر شدن نابرابری ها تنها «موقت» است. این سوء استفاده از استدلال در مورد زمان، هرگونه اهمیت سیاسی از تزی مورد نظر را حذف می کند. گفتن این که سرمایه داری شرایط را برای یک قرن یا دو قرن تشدید می کند، اما پس از آن مسائل را بهبود خواهد بخشید، پاسخی به مشکلات جامعه ما نیست، بلکه راهی برای فرار آنها به زیر قالی است. این خط از استدلال بطور کلی رنج می برد از کمبود تقریباً از هرگونه تحلیل سیاسی در مورد تنوع ساختاری سرمایه داری و رد هرگونه تمایز کیفی میان سازه های هسته و شکل گیری پیرامونی است.

بدون در نظر گرفتن جزئیات این بحث، بگذارید بگوئیم که تزی ما در اینجا این است که حتی طرح های رادیکال ترین پروژه های ملی بورژوازی در جهان سوم (کشورهای پیرامونی) احتمالاً به شکست می انجامد و در نهایت به خواستهای بین المللی تسلیم خواهد شد. به عنوان یک نتیجه فرعی از این تزی در مورد تغییر شکل بورژوازی

نابرابری است. این می ماند تا نمایان شود که چرا فقر باید صورت گیرد، و با استفاده از کدام نیروی برتر (یکی که نمی تواند با نیروی مخالف خود مقابله کند؟)، و در چه مقیاسی این پروسه رخ می دهد؟

تزی مارکسیستی وضعیت فقر شدید پیشرفته، یک فرمول انتزاعی از یک موضوع واقعی و ملموس است: آیا رشد و گسترش سرمایه داری در نهایت به نفع اکثریت مردم از لحاظ استانداردهای نسبی زندگی است، یا برعکس، آیا تمایل دارد جامعه را قطب بندی کند؟ تاریخ واقعی انباشت در مراکز توسعه سرمایه داری کاملاً شناخته شده است. با نادیده گرفتن انواع تنوع ها و تفاوت های محلی، یک تعمیم پذیری محتمل می تواند بر روی خطوط زیر ساخته شود. انقلابات دهقانی که اغلب دوران سرمایه داری را در این مراکز معرفی کرد، درجه نابرابری ها را در روستا کاهش داد، حد اقل زمانیکه آنها یک شکل رادیکال را اتخاذ کردند. این کاهش نابرابری با هزینه اشرافیت فئودالی صورت گرفت، اما در عین حال، منجر به بی نوایی اقلیتی از دهقانان فقیر تر شد که از مناطق روستایی اخراج شده و روانه شهر ها شدند. دستمزد طبقه کارگر از همان ابتدا در سطح پائین برای با دستمزد این دهقانان فقیر تر مقطوع شد. پس از رکود در این دوره در یک سطح پائین (و یا حتی رو به تقلیل)، پس از رها کردن دهقانان بی زمین از مناطق روستایی، سرانجام کند شد. از این مرحله به بعد، (حدود ۱۸۶۰) دستمزد کارگران و درآمد واقعی قشر «متوسط» دهقانان با هم در کنار رشد تولید افزایش یافت. حتی گرایشی به تقارن تقریبی میان میانگین دستمزد کارگران و درآمد دهقانی وجود داشت، اگر چه این گرایش در هر مرحله از انباشت قابل مشاهده شدن نیست (این بستگی به ساختار اتحاد میان طبقات هژمونیک دارد). در مرحله سرمایه داری اخیر، شاید تمایل «سوسیال دمکراتیک» به کاهش نابرابری وجود داشته باشد. اما، این در ارتباط با امپریالیسم عمل می کند: یک موقعیت مطلوب در تقسیم کار بین المللی، از توزیع اجتماعی سود می برد. اما، در اینجا اشتباه است که عمومیت بدهیم مانند موارد قابل مقایسه از سیر تکاملی، به عنوان مثال سوئد و ایالات متحده، در این مورد متفاوتند. ضروری است که فراتر از هسته سرمایه داری که به تنهایی در نظر گرفته شده است، حرکت کند و به تکامل سیستم جهانی بطور کلی توجه کند. تزی ما در اینجا این است که ثبات توزیع درآمد در هسته در حال حاضر

ب) یک مقیاس دستمزد تند تر (۱) به ۶ بجای ۱ به ۴). علاوه بر این، بخش غیر رسمی که به نحوی مدیریت میکند تا نیمی از جمعیت کارکنان شهری را به کار بگمارد، درآمدی تقریباً به همان اندازه بدست می آورد که یک چهارم از فقیرترین بخش سرمایه داری بدست می آورد. به منظور ترکیب هر دو منحنی، روستایی و شهری، دو عامل اصلی را باید در نظر داشت: الف) نسبت جمعیت روستایی به شهری که از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است؛ و ب) شکاف بزرگ بین تولید خالص سرانه در مناطق روستایی و شهری، زمانی که این بازده (یا تولید) به قیمت ها و درآمد فعلی اندازه گیری می شود، هم چنانکه در آمار فعلی است. این شکاف تقریباً حدود ۱ به ۳ است، یعنی بین تولید خالص سرانه سه برابر بزرگتر در اقتصاد شهری در مقایسه با روستایی است. نتیجه نهایی بدست آمده، یعنی منحنی ساخته شده با ترکیب عناصر ساده، جالب و مشغول کننده است. منحنی حاصل، همانگونه که قبلاً دیده ایم، میانه ای از توزیع درآمد واقعی است که در کشورهای جهان سوم (پیرامونی) معاصر رخ می دهد. این سؤال مطرح می شود که آیا این وضعیت موقت است یا خیر، یعنی این که توزیع درآمد مربوطه و آن چه که توصیف شده، به سمت مدل فوق الذکر در حال تکامل است. به عبارت دیگر، آیا «قانون ترویجی» (۲) جنبش توزیع درآمد در ارتباط با حرکت سرمایه وجود دارد؟ در باره این موضوع دشوار، سه نوع پاسخ زیر وجود دارد: الف) که هیچ قانون ترویجی در این جنبش وجود ندارد. به عبارت دیگر، توزیع درآمد تنها نتیجه تجربی از عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی است که جنبش اش هم گرایشی یا، خودمختاری خود را دارند. این پیشنهاد ظاهراً به صورت «مارکسیستی» با اشاره به این نکته که توزیع درآمد بستگی به مبارزات طبقاتی در همه پیچیدگی های آنها دارد، هم ملی (مانند اتحاد بورژوازی - دهقانی، سوسیال دمکراسی) و بین المللی (امپریالیسم و موضعی که درون تقسیم کار بین المللی اشغال کرده است و غیره). سیستم سرمایه داری قادر است خود را با تمام این موقعیتهای مختلف سازگار کند. ب) که یک قانون ترویجی است که تلاش می کند تا کاهش نابرابری را بطور مداوم کاهش دهد. وضعیت امروز در کشورهای پیرامونی به سادگی یک انتقال ناتمام به سمت توسعه سرمایه داری است. پ) این یک قانون ترویجی نا باروری جلو رونده و افزایش



a contingent, historically variant combination of economic and extra-economic factors in a distinctive institutional matrix, vitiating, deferring or displacing (always provisionally and temporarily) the various contradictions encoded in capitalism's DNA and reproducing the capitalist mode of production ...



نقدی بر یک اطلاعیه بقیه از صفحه آخر

گسیخته شدند. اما آنچه که باعث تکرار مداوم این نوع نشست ها در بین نیروهای جنبش کمونیستی شده است. ناشی از زمینه های مادی اجتماعی یک معضل است که فقط و فقط جنبش کارگری کمونیستی قادر به حل آن است. امروزه هیچ نیرویی در بین نیروهای رادیکال «چپ» نیست که اعتقاد نداشته باشد که حل مشکلات انقلاب از سرنگونی رژیم، سازماندهی جنبش کارگری، طرح خواست های دموکراتیک و برپایی انقلاب سوسیالیستی با نیروهای پراکنده و ضعیف موجود امکان پذیر نیست. نه طبقه کارگر و بالطبع جنبش کمونیستی نمی تواند بطور دائم خود را در حال تدارک انقلاب ببیند. آنها با درکی کاملاً پاسیویستی که در بزنگاههای تاریخی تئوری انقلاب را بجای ابزارهای انقلاب می نشانند.

در طی حداقل ۳۰ سالی که سازمان های جنبش کمونیستی در خارج هستند، دهها برنامه برای حل مشکلات جنبش کمونیستی و ایجاد یک نیروی متحد پر قدرت مطرح شده است. برخی از آنها از جمله «یک آلترناتیو سوسیالیستی و.....» همچگونه راه حل بطور واقعی و عملی ارائه نداده اند و برخی دیگر که برنامه هایی ارائه کرده اند که می تواند خصلت عملی بخود بگیرد ولی در عمل قادر به اجرای نشده اند. نتیجه اینکه جنبش کمونیستی همچنان از پراکندگی و سردرگمی در رابطه با اوضاع در محصه طبقاتی گیر کرده است. نشست های گذشته سازمان های سیاسی بعلت اینکه نه خواستند و موضع آنها داشتند که حلال مسئله باشند و خرده کاری را به حرکتی رادیکال ترجیح دادند، نهایتاً با دادن چند اعلامیه و یا اطلاعیه به کار خود پایان دادند و خود را موظف به جمع بندی از شکست نشست های سازمان های چپ و کمونیست ندیدند. دلایل متعددی را می توان در رابطه با پراکندگی جنبش کمونیستی و سازمان های درونی آن ذکر کرد.

۱- متحد نبودن بر سر خط مشی استراتژیک و تاکتیک

۷۵ در صد این منابع کمیاب را جذب می کند (در مقایسه با ۵۰ در صد در فرانسه). علاوه بر این، یک نفر گرایشی را که هر دو برای تقویت نابرابری در توزیع درآمد در جهان عرب (قبل و بعد از ۱۹۷۴) و بدتر جلوه دادن این تحریف در استخدام منابع کمیاب است، ملاحظه می کند. هم چنین قابل توجه است که نابرابری ها در جهان عرب (که درآمد سرانه در آنجا نسبت به سایر مناطق جهان سوم مانند آسیا و کشورهای جنوب صحرای آفریقا بیشتر است) را نشان می دهد و اینکه تحریف در استفاده از منابع در همان زمان بیشتر برجسته است {۶}. بنابراین، دستگاه تولیدی کشورهای پیرامونی تنها یک کپی از هسته در مرحله اولیه تکامل نیست. این به لحاظ کیفی متفاوت است و از آن بابت هدف تقسیم کار بین المللی است. این تفاوتها توضیح می دهند چرا، زمانی که هسته منحنی لورنز با ثبات (و یا حتی به سمت نابرابری کمتر حرکت می کند) در پیرامونی در جهت مخالف، بسوی حتی نابرابری بیشتر تبدیل می شود. تحریف در توزیع درآمد، شرایطی است برای گسترش باز تولید، انباشت در مقیاس جهانی است. در این مرحله، تئوری مارکس در مورد ناتوانی و ناباروری پیش رونده در مقیاس جهانی دقیقاً قابل مشاهده است. اگر توزیع درآمد بیشتر و بیشتر به نابرابری در کشورهای پیرامونی گرایش پیدا میکند که اکثریت جمعیت جهان را تشکیل می دهد، و در هسته پایدار است، پس در سطح جهانی به سمت نابرابری بیشتر حرکت می کند. حقیقت اینست که ناباروری، فقر و ناتوانی در سطح جهانی ظاهر می شود، اما نه در هسته، مسلماً اثبات این واقعیت است که قانون ارزش در سطح جهانی عمل می کند و نه در سطح تشکیلات سرمایه داری تکی (فردی). معهذاً، محرومیت و فقر در پیرامونی نه تنها به وسیله افزایش میزان برون یافت ارزش اضافی، بلکه هم چنین از طریق استثمار- غیر مستقیم کار اضافی در اشکال غیر سرمایه داری که هر دو سنتی و جدید اختراع شده اند، کار می کنند.

1 - Organization for Economic Cooperation and Development OECD
There are 32-member countries of OECD in which Austria, Belgium, Denmark, France, Greece, Iceland, Ireland, Italy, Luxembourg, Netherlands, Norway, Portugal, Sweden, Switzerland, Trieste, Turkey and United Kingdom are founder members.

2 - "Tendential Law": Capital accumulation, and the tendential laws governing it, can be guided and regularised through

پیرامونی به طبقه کمپرادور، ما معتقدیم که هیچ تمایلی قابل تشخیص به جهت کاهش نابرابری در توزیع درآمد در جهان سوم وجود ندارد. اگر جنبشی را مشاهده کردید، این ترجیحاً در جهت مخالف است: به سوی نابرابری روبه رشد. ایده پیشرفت با مرحله ای که می تواند پس از یک تأخیر تکرار شود، بدیهی است که یک مفهوم نیرومند در بسطی آن است، اما یکی است که به وضوح غلط است. معهذاً، اعتقاد بر اینکه کشورهای توسعه یافته، الگو برای توسعه آینده کشورهای توسعه نیافته را ارائه می دهند، علی رغم انکار آن توسط چهار قرن توسعه سرمایه داری و به ویژه تجربه های صد سال گذشته، به شدت پایبند هستند. با توجه به منطق دیدگاه «محل ای» که در بالا شرح داده شد، موضوع نابرابری در توزیع درآمد فقط به عنوان یک سؤال از مقدار نسبی بدون هیچ اهمیت کیفی دیده می شود. اما، این فقط یک مسئله نابرابری بیشتر نیست: نابرابری خودش تعیین کننده ایجاد و توسعه یک سیستم مولد در پیرامونی است که کیفیتی متفاوت از آنچه که در هسته سرمایه داری وجود دارد. اگر در واقع منابع مختلف (کار غیر متخصص، ماهر و سرمایه) به نوع مصرف نهایی (از اقتدار مختلف جمعیت بر اساس درآمد آن) اختصاص داده می شود که بطور مستقیم یا غیر مستقیم آنها را اداره می کند:

در هسته منابع مختلف به مصرف هر قشر اختصاص داده می شوند، نسبت به سهم هر کدام از این قشرها در مصرف. به عنوان مثال، اگر مصرف مورد نیاز (یعنی لازم برای باز تولید نیروی کار) ۵۰ در صد کل مصرف و مصرف اضافی ۵۰ در صد باشد، سهم سرمایه و نیروی کار با مهارت های مختلف (پائین، متوسط، زیاد) اختصاص داده می شود به ترتیب به میزان لازم و مازاد ۵۰ در صد تا ۵۰ در صد برای هر دسته از منابع (سرمایه نیروی کار غیر متخصص نیروی کار ماهر)

به عبارت دیگر، در کشورهای پیرامونی، منبع کم یابی مصرف اقتدار ثروتمند به مقادیر بیشتر نسبت به سهم آنها از مصرف کل اختصاص می یابد. این «تحریف» به نفع طبقات فوقانی در توزیع درآمد سرانه هر چه قوی تر می شود زمانی که توزیع نابرابر تر باشد. به عنوان مثال، بر اساس محاسبات ما در مورد کارگر متوسط و کارآمد ماهر (با آموزش متوسط، فنی یا عالی) در جهان عرب، مصرف مازاد ۵۰ در صد کل مصرف را تشکیل می دهد، اما



نشانی از این مثل فارسی دارد که می گوید
«تجربه را تجربه کردن خطاست»

ع.ع



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.
org

سایت آینه روز
www.
ayenehrooz.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.
org/01_ranjbar-
online

سایت آرشیو روزنامه
رنجبر
http://www.
yudu.com/li-
brary/16050/
Ayeneh-Rooz-s-
Library

نکته که اوضاع و شرایط عینی برای انقلاب آماده است ولی شرایط ذهنی از اوضاع عقب افتاده است و قادر به رهبری تقابلات طبقاتی نیست، ضرورت یک آلترناتیو سوسیالیستی را اجتناب ناپذیر کرده است و برای این کار برای ایجاد آن بایستی یک راهکار عملی را جلوی پای خود و دیگران گذاشت و نه تنها یک توصیه و یا پیشنهاد را ارائه کرد. توصیه ای که هیچ برنامه عملی مشخص از ملزومات آن نیست و همه چیز گفته که هیچ چیز و به اصل مسئله که این برنامه ها چگونه بایستی خصلت عملی بگیرد و برای آن چه تدارک و ملزومات عملی پیش پای جنبش کمونیستی است چیزی نگفته است. بالاخره این آلترناتیو سوسیالیستی چگونه بایستی ساخته شود و نقش کمونیست ها و سازمان های درون جنبش کمونیستی چیست هیچ جوابی نداده است. و مسئله آخر اینکه رفقای تشکیل دهنده این کنفرانس که تا این حد به ضرورت و امکان پذیری یک آلترناتیو سوسیالیستی اعتقاد دارند چرا حاضر به تشکیل عملی آن در یک تشکیلات واحد نیستند و فقط همچون گذشته به دادن یک اطلاعیه اکتفا کرده اند. ما از یک چنین اعلامیه هایی بیش از آنکه امر اتحاد پایدار و وحدت عینی و عملی را ببینیم نوعی خالی کردن از زیر بار مسئولیت وحدت کمونیست های ایران را درک می کنیم. به قول معروف خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود آنکه در او غش باشد.

برخی از رفقا می گویند این یک کنفرانس است و از یک کنفرانس نمی توان انتظارات انقلاب کردن داشت. اگر در یک کنفرانس سمت انقلاب کردن موجود نباشد در نتیجه کنفرانس به محلی برای خود بزرگ بینی و یا جدال های روشنفکری تبدیل خواهد شد که نه جنبش کمونیستی و حتی دموکراتیک هیچ بهره عملی و آینده سازی از آن نخواهد برد. بایستی به خرده کاری خاتمه داد و رفقای کمونیست خود را برای کارهای اساسی آماده کنند. وظایفی که نه تنها انقلاب را به جلو براند بلکه با تئوری های انقلاب وفق داشته باشد و بتوان از آنها به نتایج مشخص و ملموس طبقاتی دست یافت.

جنبش کارگری در ایران بطور جدی می خواهد از این موانع فکری و ذهنی عبور کند. فرقه گرایی و شخصیت گرایی دیگر به گذشته تعلق دارد. آیا رفقای که این بیانیه را صادر کرده اند در کمک به رشد بیشتر جنبش کارگری قادر خواهند بود فرقه گرایی را درهم بشکنند و به پای یک وحدت تشکیلاتی بروند. در غیر اینصورت بیانیه

۲- عدم درک گوناگون از تئوری های انقلاب و کمونیسم علمی
۳- پربهادادن به نیروی خود و خودمحور بودن
۴- عدم اعتقاد به ضرورت وجودی حزب کمونیست برای انقلاب
۵- حضور خرده بورژوازی بطور وسیع در جنبش کمونیستی چه بصورت عناصر چه بصورت فکری و جدائی از جنبش زنده کارگری
۶- حضور طولانی مدت در خارج از کشور و تاثیر سوسیال دموکراسی کشورهای پیشرفته بر آن
۷- شخصیت گرایی در رهبری سازمان های موجود
۸- زمینه های گذشته کاملا جداگانه به لحاظ فکری و نظری از همدیگر

در نتیجه نکات بالا تقریباً اکثر سازمان های سیاسی برای حفظ وضع موجود خود را راضی به اتحاد عمل هایی با اسامی گوناگون اتحاد پایدار، اتحاد انقلابی و..... کرده و حاضر به وحدت تشکیلاتی بر سر خط مشی برنامه ای نیستند. برخی از این سازمان ها به نحوی خود را معرفی می کنند که گویا طبقه کارگر ایران را پشت سر خود دارند و یا از خط مشی برخوردارند که به قول معروف مولای درزش نمی رود. با نگاهی به سازمان های موجود بسیاری از سازمان هایی را می بینید که به لحاظ خط مشی برنامه ای بسیار نزدیک هستند اما وقتی پای وحدت و گذار به تشکیلاتی بزرگتر می شود حاضر به ترک چهارچوب تنگ و بسته سازمانی خود نبوده و ترجیح می دهند با شعارهای پر طمطراق در سازمان های خود ظاهراً به کار انقلاب بپردازند. آنها به پای تشکیلاتی فراگیر رفتن را بی وقت و نامناسب اوضاع می دانند اما تشکیلات کوچک و از نفس افتاده خود را رهبر آینده انقلاب. جالب است که در تمام این سال ها، نزدیک ترین سازمان ها هم حاضر به وحدت تشکیلاتی نشدند. و هر نشستی به پراکندگی و جدایی بیشتر انجامید. در نشست هایی که طی این سال ها برگزار شد، در ابتدا شوق و شوری در بین فعالین کمونیست بوجود آورد اما واقعیات سرسخت تر از آمال و آرزوهای ماست. واقعیت این است که کمونیست ها نمی توانند به اتحاد با یکدیگر برای مبارزه متحد با بورژوازی دست بزنند. تجربه انقلابات کارگری و سوسیالیستی در جهان نشان داده است که حزب طبقه کارگر ابزار طبقه کارگر برای انقلاب است و کمونیست ها باید با متشکل شدن در این حزب و نه بصورت گروه های پراکنده مبارزه طبقاتی را جلو ببرند. این



فاشیسم و طبقه کارگر

رفقا، تمایلات فاشیستی و میکروپ های جنبش فاشیستی در قالبی کم و بیش توسعه یافته تقریباً در همه جا یافت می شود. با توسعه بحران بسیار عمیق اقتصادی و همچنین با بحران عمومی سرمایه داری که به شدت در حال تشدید است، در حالیکه توده های کار و زحمت انقلابی میشوند، فاشیسم اقدام به تعرضی گسترده میکند. حاکمیت طبقه سرمایه دار بقای خویش را بیشتر و بیشتر در اعمال فاشیسم می یابد و به همین جهت بدنبال

اقدامات استثنایی علیه توده زحمتکش می باشد. تدارک برای جنگ غارتگرانه امپریالیستی و تقسیم مجدد جهان با حمله به روسیه و چین فاشیسم قدرت سرمایه مالی است که ارتجاعی ترین تفکر عناصر عقبمانده جامعه را بسیج میکند. تشکیلات تروریستی است که جهت انتقام جویی از طبقه کارگر و متحدین آن عمل میکند در سیاست خارجی، فاشیسم میهن پرستی افراطی را در بی رحمانه ترین شکل

نفرت از دیگر فرهنگها و ملتها ترویج میکند. منبع تأثیر گذاری فاشیسم بر توده ها چیست؟ فاشیسم می تواند توده ها را جلب کند زیرا برای رفع فوری ترین نیازها و خواسته های آنها به عوامفریبی و جنجال متوسل میشود. فاشیسم نه تنها تعصباتی را که عمیقاً در میان توده ها ریشه دارد شعله ور میسازد بلکه روی تمایلات بهتر آنها از جمله در درک عدالت جویی و سنت های انقلابی آنها نیز

طبقه در صفحه ۱۴

طبقه در صفحه ۱۴

نا برابری در توزیع درآمد در هسته مرکزی - و پیرامونی - نظام جهانی سرمایه داری و در کشورهای پیرامونی آن

توسط سمیر امین
اگرچه پژوهش های تجربی در مورد توزیع درآمد نسبتاً تازه دارد، امروزه ارقامی برای تعداد زیادی از کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته وجود دارد که میزان نابرابری در توزیع درآمد را با استفاده از ضرایب جینی و منحنيهای لورنز اندازه گیری می کند. بطور کلی این تحقیق نشان می دهد که نابرابری در توزیع درآمد در کشورهای پیرامونی نسبت به کشورهای

پیشرفته مرکزی به به دلایل متعدد زیرینی از جمله مشهود است:
اولاً، بازدهی کار از واحدی به واحد دیگر، از بخشی به بخش دیگر متفاوت است. با توجه به فرضیه نظری اقتصاد که توسط واحد های تولیدی که همه با مؤثر ترین وسیله مجهز شده بودند (در نتیجه یک وضعیت رقابتی بین آنها دیگر ادامه نیافت!) توسعه یافته ترین کشورهای سرمایه داری به این مدل نزدیک می شوند. در حالیکه، کشورهای

توسعه نیافته از آن به شدت متفاوتند. به همین دلیل توزیع ارزش افزوده به ازای هر شغلی از یک بخش به بخش دیگر نسبتاً نزدیک به میانگین آن در کشورهای او ای سی دی (۱) گروه بندی می شود، اما در کشورهای پیرامونی بسیار نابرابر می باشد. واقعیتی که مقایسه نتایجی از این نوع را محک می زند، به نظر ما، ثابت می کند که قانون ارزش در سطح نظام سرمایه داری جهانی، در سطح اجزاء ملی عمل نمی کند.

نقدی بر یک اطلاعیه

کنفرانسی در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۸ با فراخوان ۶ سازمان، حزب و سازمان کمونیست برگزار شد که در پایان آن بیانیه ای تحت عنوان «یک آلترناتیو سوسیالیستی ضروری و ممکن است»، انتشار یافت. مطالعه این بیانیه و یا سند که از تحلیل اوضاع شروع می شود و خواهان سرنگونی رژیم اسلامی، آلترناتیو سوسیالیستی است. آنچنان به عام گویی افتاده است که تهیه

کنندگان این سند فکر کرده اند با عام گویی می توانند به متحد کردن و ایجاد آلترناتیو سوسیالیستی کمک های شایانی کرده باشند. تجربه حداقل سه دهه همکاری بصورت اتحاد عمل، ایجاد تشکل های دموکراتیک، ایجاد کمیته های کارگری، ایجاد شوراهای دموکراتیک چپ و غیره در خارج کشور نشان داده است که این نوع همکاری های در فرمول بندی های گوناگون و نیز اشکال

متنوع ذکر شده نتوانسته است که جنبش کمونیستی را متحد کند. و راهکارهای عملی و فکری درستی در جهت برون رفت از پراکندگی جنبش کمونیستی ارائه دهد. ما در سطح گسترده تر اتحاد چپ کارگری و اتحاد نیروهای چپ و کمونیست و نیز اتحاد نیروهای چپ و کمونیست انقلابی را شاهد بودیم که با عدم موفقیت در اهدافشان روبرو شدند و بعد از مدتی عملاً از هم

طبقه در صفحه ۱۷

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غُرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org